

بسیج و همگرایی علم و اخلاق در پرتو سبک زندگی اسلامی- ایرانی در گام دوم انقلاب

حمید اسپیدا^۱، الهام شهسواری^۲

اولین همایش بین المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

بسیج در آستانه چهلمین سال تأسیس خود، شاهد شکوفایی ثمره‌های علمی و دانشی خود هم‌زمان با حفظ و تعمیق دیانت و معنویت و اخلاق‌مداری است. آنچه در این برهه بیش از هر چیز ملموس و نمایان است، نیل به پیشرفت‌های مهم و راهبردی برای تعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی است که در بیانیه گام دوم انقلاب از سوی رهبر معظم انقلاب به تفصیل بیان شده است. معنویت و اخلاق شرط لازم و فزاینده در این مسیر است که با فرهنگ ایستادگی، مقاومت و انقلابی‌گری گره خورده است. ابتدا مفاهیم واژگان بسیج، علم، اخلاق و سبک زندگی اسلامی- ایرانی از دیدگاه آیات و روایات، منویات رهبری و سایر اندیشمندان بررسی و سپس به نقش توسعه‌ای و ارتباط فراگیر این مفاهیم با یکدیگر پرداخته شده است. نوعی همگرایی و وابستگی میان دو مؤلفه «علم و اخلاق» وجود دارد. نقش بسیج و روحیه بسیجی نیز در خط مقدم هر حوزه و جبهه‌ای به وضوح نمایان است. بین دانشجویان، استادان و علمای حوزه و دانشگاه تا اصناف و گروه‌های کارگری و حتی خیل مسئولان و مقامات ارشد حکومتی، این روحیه همواره پیشتاز و دارای خیر و برکات مادی و معنوی بوده است. سبک زندگی ایرانی و اسلامی محور، خاستگاه پرورش و تربیت انسان‌هایی با روحیات و عقاید الهی، دینی، عقلانی، انقلابی و عرفانی است که در همه عرصه‌های اجتماع، ظهور و بروز پیدا می‌کند. در نهایت، نقاط تنازعی سبک زندگی غربی با سبک زندگی اسلامی- ایرانی و فرهنگ دینی و رویکردهای آن، با محوریت بسیج و نقش آن در سبک زندگی ایرانی و اسلامی به تفصیل بیان خواهد شد. همچنین مشخصه‌های اصلی بسیج در این سیر تحولی و همگرایی دانش و معنویت، به ترتیب بیان و نمونه‌های بارز آن ذکر می‌شود.

واژگان کلیدی

بسیج، علم و دانش، معنویت و اخلاق، سبک زندگی ایرانی- اسلامی، گام دوم انقلاب

۱. پژوهشگر و مدرس دانشکده شهید مطهری بسیج، فارغ‌التحصیل دکتری ریاضی محض، دانشگاه شاهد
۲. کارشناس ارشد مدیریت رسانه، دانشگاه تهران



بسیج از ابتدای تأسیس تا کنون (طی چهل سال) عملکرد موفق از خود در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، علمی و غیره به نمایش گذاشته است. در این میان، عرصه علم و دانش و نیز معنویت و اخلاق، و به طور خاص اخلاق، فرهنگ و منش اسلامی دارای نوعی همگرایی و ارزش افزوده در تعامل و ارتباط مستقیم با یکدیگرند. به عبارت دیگر، هر جا که این دو مهم بیشتر به هم گره بخورند و نزدیک شوند، اثر مستقیم و فزاینده‌ای روی هم خواهند گذاشت. شاهد این امر، از طرفی تأکیدها و توصیه‌های فراوان در آیات و روایات اسلامی است که شرط قبول و افزایش مادی و معنوی است. از طرف دیگر، نمونه‌های بارز آن شهدای شاخص، صالحین و دانشمندان انقلابی و مسلمانی هستند که در همین نیم‌قرن اخیر شاهد شکوفایی، خیرات و برکات فراوان آنها در تشکیل حکومت اسلامی و حفظ و بقای آن با حصول دستاوردهای مثبت فراوان بوده‌ایم. بنابراین در این اثر بر آن شدیم ضمن معرفی و تبیین مفاهیم اولیه، آرمان‌های دینی و نقش نهادهای ارزشی و انقلابی از جمله بسیج، و نحوه عملکرد و عوامل تأثیرگذار بر آنها را به تفصیل بیان کنیم.

سبک زندگی اسلامی- ایرانی در این بحث نقشی محوری ایفا می‌کند. ما در این اثر، الزامات و شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی- ایرانی را بیان می‌کنیم. همچنین تأثیرات این مدل از سبک زندگی که چندین سال متوالی مورد تأکید رهبر معظم انقلاب بوده است، با استناد به رهنمودها و منویات معظم له و در سایه تعالیم دین مبین اسلام در قالب آیات و روایات در بخش‌های مربوط، مشخص و ارائه خواهد شد. در این میان، سبک زندگی در ارتباط با بسیج و جوانان از اهمیت مضاعفی برخوردار است زیرا «پیشران حرکت انقلاب، جوان‌ها هستند».

همت گماشتن آیت‌الله خامنه‌ای قبل و حتی بعد از انقلاب اسلامی به تربیت نسل‌های نوجوان و جوان با تکیه بر قرآن کریم، نشان می‌دهد که ایشان از همان روزهای آغاز انقلاب اسلامی، به آینده انقلاب و تداوم آن می‌اندیشیدند. رهبر معظم انقلاب «علم و پژوهش» و «معنویت و اخلاق» را دو رکن مهم در گام دوم انقلاب و موتور محرکه پیشرفت و توسعه می‌دانند که جوانان باید نسبت به این دو امر مهم اهتمامی ویژه داشته باشند.

انقلاب اسلامی ایران با وجود ناملايمات و دشمنی‌هایی که از سر گذرانده، و به‌رغم



تحریم‌ها و تهدیدها و ضربات پی‌درپی بدخواهان خود، وارد دهه پنجم حیات خود شده است. در بحث علم و پژوهش، قبل از انقلاب، با نوع سیاست‌گذاری‌های رژیم پهلوی که ریشه در غرب‌پرستی دوران قاجار داشت، فقط واردکننده علم و دستاوردهای علمی بودیم. البته در برخی موارد دانشمندان و استادان حوزه‌های مختلف با منش عزت‌طلبانه خود سعی در تربیت دانشجویانی متعهد داشتند؛ اما به علت قلت تعداد و مشکلاتی که رژیم برای آنها ایجاد می‌کرد، نمی‌توانستند کاری از پیش ببرند.

وجود معنویت و اخلاق به علم و اقتصاد و عدالت و آزادی و سبک زندگی جهت می‌دهد. بعید نیست که ما روزی در حوزه علم از غرب پیشی بگیریم، اما این پیشرفت بدون معنویت و اخلاق، ثمری نخواهد داشت. آیا پیشرفت بدون توجه به اخلاقیات می‌تواند تضمین کند در چاهی نیفتیم که غرب گرفتار آن است؟ چندگانگی تعریف اخلاق و معنویت، با همه پیشرفت علمی در غرب، سبب شده است تا غرب با بحران اخلاقی روبه‌رو شود. از همین رو امام‌راحل می‌فرمایند همه چیز باید اسلامی شود. از سیاست، فرهنگ، هنر، اقتصاد، ورزش، مدرسه و دانشگاه تا جزئی‌ترین مسائل خانواده باید رنگ و بوی اسلامی به خود بگیرد.

در آیات مورد بحث خواهیم دید که قرآن مجید بارها تعلیم کتاب و حکمت را در کنار تزکیه و پاکسازی اخلاقی قرار می‌دهد. گاه «تزکیه» را بر «تعلیم» مقدم می‌دارد و گاه «تعلیم» را بر «تزکیه». این مسئله نشان می‌دهد که میان این دو رابطه‌ای عمیق وجود دارد. هنگامی که انسان از خوبی و بدی اعمال و صفات اخلاقی آگاه شود و آثار و پیامدهای هر یک از صفات «فضیلت» و «رذیلت» را بداند، بی‌شک در تربیت و پرورش او مؤثر است؛ به طوری که می‌توان گفت بسیاری از زشتی‌های عمل و اخلاق ناشی از ناآگاهی است. به همین دلیل، اگر علم و آگاهی جای جهل و نادانی را بگیرد، و به تعبیر دیگر، سطح فرهنگ بالا برود، بسیاری از زشتی‌ها جای خود را به زیبایی‌ها، و بسیاری از مفاسد اخلاقی جای خود را به محاسن اخلاقی می‌دهد؛ ولی باید توجه کرد این مسئله کلیت ندارد.

در باب بسیج و جنبه‌های تعمیق معنویت و شکوفایی نهال انقلاب، رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید: «شما میوه‌های شیرین و کام‌بخش آن درخت طیب و طاهری هستید که امام بزرگوار با دست خود در این زمین غرس کرد. این ثمردهی همچنان ادامه خواهد داشت؛ همچنان که فرمود: «الم تر کیف ضرب الله مثلا کلمه طیبه کشجره طیبه اصلها ثابت و فرعها



فی السَّماء* توتی اکلها کلّ حین باذن ربّها» (ابراهیم/ ۲۴ - ۲۵). وقتی سرزمین مستعد و آماده است، بذر پاکیزه است، آن گیاه و رویدنی تمام‌شدنی نیست؛ یعنی هیچ عاملی نمی‌تواند به آن صدمه بزند. بسیج، یک چنین درخت طیب و طاهری است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۲).

سبک زندگی ایرانیان از حدود صد سال قبل، به خصوص در دوره سلطنت پهلوی، با هدف خودباختگی در برابر فرهنگ غربی و شروع روند دگرگونی و اضمحلال فرهنگ و تمدن بومی به معنای عام آن، دچار تغییراتی عمیق شد. حتی در دوره‌هایی شعار محافل رسمی این بود که برای پیشرفت و ترقی و رسیدن به دروازه‌های تمدن بزرگ باید از سر تا نوک پا غربی شد و غرب‌زدگی، سکه رایج مملکت بود. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران توانست این توطئه را که سناریوی آن بیرون از مرزها نوشته شده بود و توسط عوامل داخلی آنان در حکومت طاغوت اجرا و به آن دامن زده می‌شد، خنثی کند. اما این به آن معنا نیست که سبک زندگی فعلی مردم صد در صد مبتنی بر الگوی اسلامی-ایرانی است.

در هر صورت، برای داشتن سبک زندگی مناسب باید به اصول و ارزش‌های اسلامی و پیشینه بومی و ملی خود توجه کنیم، زیرا تقلید از سبک زندگی غربی به هویت و اصالت فرهنگ دینی و ملی ما ضربه وارد می‌کند و این تجربه استعماری در کشورمان سابقه دارد. از این رو باید قوای سه‌گانه (دولت به مفهوم عام) و مردم، در تعاملی دوسویه وارد عمل شوند و برای این موضوع مهم و آینده‌نگر که سلامت زندگی جامعه را در پی دارد، چاره‌اندیشی کنند و درصدد تحکیم و ترویج هویت اسلامی-ایرانی در سبک و الگوی زندگی باشند هرچند وظیفه دولت اسلامی به عنوان حاکمیت برای فراهم کردن زمینه‌های لازم اعم از نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، پررنگ‌تر است.

امروز اهمیت علم و دانش بر بشریت مخفی نیست. همه مکاتب بشری و ادیان آسمانی بر کسب علم و دانش تأکید دارند و پیشرفت و ترقی در مسیر علم را افتخارآمیز می‌شمرند. اما بدون تردید دین مبین اسلام بیش از هر دین و آیین دیگری به علم اهمیت داده و انسان‌ها را به تعلیم و تعلّم فراخوانده است.

«باید کشورهای اسلامی از لحاظ علم و فناوری پیشرفت کنند. گفتم غرب و آمریکا به برکت علم توانستند بر کشورهای دنیا مسلط شوند؛ یکی از ابزارهاشان علم بود؛ ثروت را هم



با علم به دست آوردند. البته مقداری از ثروت را هم با فریبگری و خباثت و سیاست به دست آوردند، اما علم هم مؤثر بود. باید علم پیدا کرد. روایتی است که فرمود: «العلم سلطان من وجده صال و من لم یجده صیل علیه» (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۲۰: ۳۹).

اخلاق نیکو یکی از صفات پسندیده در اسلام و از شیوه‌های مطلوب جاذبه دینی و فضایل انسانی است. در میان آداب اخلاقی و سنت‌های اجتماعی، حسن برخورد با مردم در اخلاق اسلامی جایگاهی ویژه دارد و برای نیروهای بسیجی که با مردم ارتباط دارند، این موضوع درخور توجه است. مهم‌ترین مؤلفه جذب‌کننده مردم به تشکیلات بسیج برخورداری نیروهای بسیجی از این صفت پسندیده است که به عنوان یک رفتار مطلوب میان نیروهای بسیجی رایج است.

رابطه بین اخلاق و توسعه رابطه‌ای یک‌جانبه و استاتیک نیست. ارتباط پیچیده بین این دو مقوله از آنجا ناشی می‌شود که اخلاقیات، توسعه‌پذیرند. اخلاقیات توسعه‌پذیر می‌تواند سکوی جهش یک جامعه باشد و از زمینه‌هایی چون پویایی، عقلانیت، خلاقیت، تعلیم‌پذیری، دنیوی بودن، مشارکت‌پذیری و ریسک‌پذیری برخوردار باشد. توسعه دینی، معنوی و ارزشی می‌تواند بخشی از توسعه قرار گیرد، بلکه اساساً در توسعه ایده‌آل که مطلوب ماست، محور اساسی توسعه، رشد و تعالی روحی و معنوی انسان است. توسعه‌ای که هماهنگ با نظام آفرینش و هماهنگ با نظام و ساختار وجودی انسان نباشد و در نهایت باعث افزودن روح عبودیت و بندگی انسانی نشود، توسعه حقیقی و ایده‌آل نیست (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۶).

بیان مسئله

مسئله مهم در شرایط امروز جامعه مدنی ما، رسیدن به نقطه اشتراک و تلاقی این دو بعد مهم انسانی، یعنی علم و اخلاق است. آنچه می‌تواند مروج این نظریه و پیش‌برنده آن باشد، بسیج جوانان مؤمن انقلابی در پرتو سبک زندگی اسلامی - ایرانی است. با توجه به این مهم، بیان ویژگی‌ها و شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی و ایرانی و بررسی نقاط تنازع آن با سبک زندگی غربی و مدرن بسیار با اهمیت است و باید به الگویی جدید و قابل اجرا رسید.

مسئله دیگر که در این اثر به آن پرداخته می‌شود، نقش بسیج و عملکرد آن در سبک زندگی اسلامی- ایرانی است. به عبارت دیگر، در قیاس سبک زندگی اسلامی- ایرانی و سبک زندگی غربی، نقش بسیج حایز اهمیت و پررنگ است که به نمونه‌های مهم آن خواهیم پرداخت. جوانان و نوجوانان خیلی عظیم از خانواده بسیج را تشکیل می‌دهند و همین مسئله سبب شده است تا موتور محرکه بسیج در این مسیر، پرقدرت‌تر، به موقع‌تر و بیشتر از گروه‌های دیگر ایفای نقش کند.

مسئله و چالش اصلی این اثر، تعریفی دقیق و اصولی از مفاهیم «علم و پژوهش و دانش» و نیز «معنویت و اخلاق و دین‌داری» با تأکید بر آیات و روایات اسلامی است تا بتوان بر اساس شریعت اسلام، که ارائه‌دهنده سیر و سلوک مادی و معنوی جامع‌الشرایط است، عمل و تدبیر کرد. ترسیم الگو و مدل دستیابی به پیشرفت نظام اسلامی به سمت دولت اسلامی و امت اسلامی بر اساس این نظریه، مسئله مهم دیگر این پژوهش است که با استناد به نظریات اخیر رهبر فرزانه انقلاب و سایر بزرگان و اندیشمندان انقلاب و نظام اسلامی تنظیم و ترسیم شده است.

امید است این تحقیق ابهامات و سؤال‌های پیش رو در تحقق الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت را بر اساس توجه به دو مفهوم علم و اخلاق، تا حد زیادی برطرف کند. البته این امر مستلزم توجه به آرمان‌ها و اهداف اسلامی و بومی میهن عزیزمان است تا با کنار زدن پرده‌های غفلت یا دست کشیدن از وادادگی و تکیه بر اجانب و منافقان داخلی، دلسوزانه برای توسعه و آبادانی میهن اسلامی و جلوگیری از تفرقه و توقف، عمل کنیم و با تکیه بر الطاف الهی و تقوای جمعی، به نتایج مطلوب و مد نظر برسیم.

اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق، اثبات اثرگذاری دو مقوله علم و اخلاق در پیشرفت جامعه اسلامی و در نهایت رسیدن به تمدن نوین اسلامی و آرمان‌های دینی و سعادت ابدی است. این پیشرفت، نیازمند حرکت در همه زمینه‌های مادی و معنوی و مرهون تلاش‌های بسیاری از مجاهدان و علما و عرفای حقیقی است. بخش زیادی از این بار را خانواده بزرگ بسیج به دوش می‌کشد. برای رسیدن به اهداف اصلی ناگزیر به تعریف اهداف میانی و فرعی هستیم:



۱. نقش بسیج در افزایش حرکت علمی جامعه و ایجاد روحیه معنویت و اخلاق؛
۲. چگونگی تأثیر متقابل علم حقیقی و دانش پیش‌برنده با معنویت و فرهنگ صحیح دینی؛
۳. مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی- ایرانی و نقاط تنازع آن با سبک زندگی غربی و مدرن؛
۴. شرایط توسعه و ترویج معنویت و اخلاق در پرتو سبک زندگی اسلامی- ایرانی با تأکید بر نقش بسیج.

پرسش‌های پژوهش

۱. روش‌های تطبیقی و مفاهیم اولیه دو عنصر علم و اخلاق از منظر آیات و روایات چیست؟
۲. نقش و عملکرد بسیج در حوزه‌های مختلف اجتماعی و رویکرد علمی و معنوی آن چگونه است؟
۳. نظریه‌های سبک زندگی اسلامی- ایرانی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب و سایر اندیشمندان چیست؟
۴. چگونگی حصول به معنویت و اخلاق و توسعه فرهنگ دینی در مقابله با سبک زندگی غربی چگونه است؟

روش تحقیق

- الف) توصیفی- تحلیلی با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای است. چون این پژوهش به مبانی جنگ نرم در عرصه‌های فرهنگی- اجتماعی گام دوم انقلاب می‌پردازد، روش تحقیق در بعد مبانی، به شیوه نظری و در بعد عملی، به شیوه کاربردی انجام می‌شود.
- ب) نوع تحقیق، نظری و به روش تحقیق در علوم اجتماعی است.
- ج) روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای به روش فیش‌برداری و مراجعه به منابع دست اول، منویات رهبری، اینترنت، کتب و مقالات مرتبط و معتبر است.

پیشینه تحقیق

۱. علم و پژوهش

رهبر معظم انقلاب در فرازهایی از بیانیه گام دوم انقلاب می‌فرماید: «دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت ۲۰۰ ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد.

عقب‌ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگ‌ها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سال‌ها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به‌پا خیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما به‌شدت بیمناک است ناکام سازید.»

در بحث علم و پژوهش قبل از انقلاب، با نوع سیاست‌گذاری‌های رژیم پهلوی که ریشه در غرب‌پرستی دوران قاجار داشت، فقط واردکننده علم و دستاوردهای علمی بودیم. البته در برخی موارد دانشمندان و استادان حوزه‌های مختلف با منش عزت‌طلبانه خود سعی در تربیت دانشجویانی متعهد داشتند که به علت کم‌تعداد بودن و مشکلاتی که رژیم برای آنها ایجاد می‌کرد، نمی‌توانستند کاری از پیش ببرند.

حضرت امام خمینی (ره) با روحیه مجاهدانه و ایمان به حقیقت راه و هدف خود، با دادن اعتماد به نفس به جوانان، آنها را به این باور رساند که «ما می‌توانیم». جوانان غیور کشور با التزام به همین شعار، جنگ تحمیلی را یک فرصت برای بالندگی و پیشرفت قرار دادند که رشد و شکوفایی در علوم هسته‌ای و نظامی نمونه‌ای از آن است.



۲. معنویت و اخلاق

رهبر معظم انقلاب در فرازی دیگر از بیانیه گام دوم انقلاب می‌فرمایند: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.»

در خصوص معنویت و اخلاق باید گفت بی‌اعتنایی جدی به موضوع «تهاجم فرهنگی» سبب شده به اوضاع غیرقابل قبول کنونی برسیم. وضعیت حجاب دختران و بی‌ثباتی اخلاقی پسران هر چند مطلق نیست و جامعیت ندارد، اما باید بپذیریم که این میزان سوءاخلاق نیز شایسه ایران اسلامی نیست. تأکید مداوم مقام رهبری بر تهاجم فرهنگی و بی‌توجهی مردم و مسئولان به این امر مهم سبب شد که با ولنگاری فرهنگی روبه‌رو شویم.

وجود معنویت و اخلاق به علم، اقتصاد، عدالت، آزادی و سبک زندگی جهت می‌دهد. بعید نیست ما روزی در حوزه علم از غرب پیشی بگیریم، اما این پیشرفت بدون معنویت و اخلاق ثمری نخواهد داشت. آیا پیشرفت بدون توجه به اخلاقیات می‌تواند تضمین کند که در چاهی نیفتیم که غرب گرفتار آن است؟ چنگ‌انگی از تعریف اخلاق و معنویت، با همه پیشرفت علمی در غرب، سبب شده است تا غرب با بحران اخلاقی روبه‌رو شود. از همین رو



امام راحل می‌فرمایند همه چیز باید اسلامی شود. از سیاست، فرهنگ، هنر، اقتصاد، ورزش، مدرسه و دانشگاه تا جزئی‌ترین مسائل خانواده باید رنگ و بوی اسلامی به خود بگیرد.

۳. جایگاه و اهمیت علم و دانش

اگر گفته شود دین اسلام، دین دانش و آموزش برای زندگی سعادت‌مندانه دنیوی و اخروی بشر است، سخنی ناحق گفته نشده است. اهمیت علم و دانش در اسلام به قدری است که اولین کلمه‌ای که جبرئیل به پیامبر اکرم (ص) آموخت «اقرأ» (بخوان) بود! با این حال، دانشی ارزشمند است که انسان را از مقام هبوط به عروج رساند تا صعود دوباره‌ای را از خاک به عرش برین و تا عرش سدره المنتهی آغاز کند. از این رو قرآن ارزش و اعتبار آدمی را به دانش اسمایی دانسته که دانش، توانایی و ظرفیت به همه آن چیزهایی است که خداوند را به خداوندی متصف کرده است.

۴. برابری خلقت و دانش

پیدایش علم و دانش با خلقت انسان برابری می‌کند. بشر همواره درصدد بوده است بفهمد و درک کند. علم و دانش در زندگی انسان جایگاهی ویژه دارد. علم در زندگی انسان راه سعادت، تکامل و راه ساختن را به او می‌آموزد. علم، انسان را توانا می‌کند تا آینده را همان‌گونه که می‌خواهد بسازد. علم مانند ابزاری در اختیار خواست انسان قرار می‌گیرد و طبیعت را آنچنان که انسان بخواهد و فرمان دهد، می‌سازد.

پیامبر اکرم (ص) پیروانش را به فراگیری علم و دانش تشویق می‌کرد. کودکان اصحابش را وادار کرد سواد بیاموزند. به برخی از یارانش فرمان داد زبان سریانی بیاموزند. این تأکید و تشویق‌ها درباره علم سبب شد که مسلمانان با همت و سرعت بی‌نظیری به جست‌وجوی علم در همه جهان پردازند.

امروز اهمیت علم و دانش بر بشریت مخفی نیست. همه مکاتب بشری و ادیان آسمانی بر کسب علم و دانش تأکید دارند و پیشرفت و ترقی در مسیر علم را افتخارآمیز می‌شمرند؛ اما بدون تردید دین مبین اسلام بیش از هر دین و آیین دیگری به علم اهمیت داده و انسان‌ها را به تعلیم و تعلم فراخوانده است.



۵. «علم و پژوهش» و «معنویت و اخلاق» موتور محرکه در مسیر گام دوم انقلاب

رهبر معظم انقلاب «علم و پژوهش» و «معنویت و اخلاق» را دو رکن مهم در گام دوم انقلاب و موتور محرکه پیشرفت و توسعه می‌دانند. جوانان باید به این دو امر مهم اهتمام ویژه داشته باشند. انقلاب اسلامی ایران با وجود ناملایمات و دشمنی‌هایی که از سر گذرانده، به‌رغم تحریم‌ها و تهدیدها و ضربات پی‌درپی بدخواهان خود، وارد دهه پنجم حیاتش شده است. رهبر معظم انقلاب در فرازی دیگری از بیانیه گام دوم انقلاب می‌فرماید: «اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارت‌اند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی. اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت.

در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شماست. نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آنها اشاره شد - در برابر چشم شماست. رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌هاست و دست و دل‌های امین و خدمتگزار، به مراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.»

۶. سبک زندگی دینی

الف) سبک زندگی کنونی ما در مواجهه با غرب مدرن

از آنجا که جامعه ایران جامعه‌ای دین‌دار، دین‌محور و خدامحور است و در آن پای‌بندی به دین و سنت تا حدود زیادی یافت می‌شود، با ورود نگرش‌ها و اندیشه‌های غربی و جلوه‌های مدرنیته توسط افرادی چون میرزا ملکم خان، میرزا آقاخان کرمانی و آخوندزاده که از پیشروان آشنایی با تجدد بودند، این تضاد و چالش بین این دو فرهنگ کاملاً متفاوت، بروز پیدا کرد و هنوز این چالش ادامه دارد. متأسفانه جامعه ایرانی به‌رغم مقاومت‌های آگاهانه روحانیت



اصیل و مردم دین مدار، با بسیاری از سنن خویش و امور هویتی و اشکال و قالب‌های سبک زندگی دینی‌اش وداع کرد و عرصه را برای غرب‌زدگی فراهم آورد. همین امر موجب تعریفی جدید از هویت، زندگی، عالم، علم و دین و دین‌داری شد.

ایرانیان همان‌طور که در برخی هویت و ارزش‌ها دچار بحران شده‌اند، در سبک زندگی نیز در ۱۰۰ ساله اخیر به ویژه از دوران روی کار آمدن رضاخان و تجدد آمرانه‌اش، دچار تشتت و تذبذب بسیار در نگرش‌ها و گرایش‌ها، آداب و رسوم، نظامات و سنن اجتماعی، باورها و حتی باورهای دینی خود شده‌اند و سبک زندگی اسلامی-ایرانی دچار تضادها و تناقض‌هایی بسیار شده است، به نحوی که از جامعه ما یک جامعه شبه‌مدرن ساخته است که نه می‌توان آن را سنتی و اسلامی نامید و نه می‌توان بر آن نام مدرن نهاد. باید از این تذبذب هویتی نگران بود. نگرانی در کلام انتقادی ولی امر مسلمین کاملاً قابل درک است. رهبر انقلاب اسلامی می‌کوشند این فرضیه کلان را اثبات کنند که زیستن ایرانی در زمان کنونی، برآمده از مواجهه و نزاع دو سبک زندگی غربی و اسلامی است.

سنت در ساده‌ترین تعریفش، به امور متعلق به گذشته تعبیر شده است. آن‌گاه که یک فرهنگ تاریخی می‌شود و درون‌مایه‌ها و بن‌مایه‌های یک تمدن می‌گردد، تاریخی شدن آن فرهنگ و آن تمدن، سبب پدیداری سنت می‌شود. سنت را باید یک کلان‌فرهنگ تاریخی دانست که به انسان و زمانه‌اش هویت می‌بخشد. سنت اسلامی از منظر ما از آبخور وحی و قرآن و نهج‌البلاغه و روایات سیراب می‌شود و امری است قدسی و آسمانی و ملکوتی که مرزهای شفاف و روشنی با خرافه‌گرایی و تحجر دارد.

به لطف حاکمیت فرهنگ ائمه معصومین (علیهم السلام)، بخش عظیمی از تاریخ ما و همچنین فرهنگ جاری ما، متأثر از دین و برآمده از دین است و دین شکل‌دهنده و پدیدارکننده سنت خاص در جامعه ایران بوده است. ضعف آشکار بسیاری از پژوهش‌ها و تحلیل‌ها پیرامون سبک زندگی، غفلت از جایگاه دین اسلام و مکتب شیعه در سنت و تاریخ و هویت جامعه ایرانی است. به نظر می‌رسد به این دلیل در چشم‌انداز و منشور ارائه‌شده از سوی مقام معظم رهبری همه مؤلفه‌های سبک زندگی اعم از هویت (فهم از خود، فهم از جامعه، فهم از تاریخ و...)، ارزش‌ها (هم صفات آرمانی و هم انسان‌های آرمانی)، معماری شهری و خانگی، نظام آموزش، زبان و ادبیات، هنر، خانواده (نظام و نقش)، روابط اجتماعی، ساختار



اجتماعی، دین‌داری فردی و اجتماعی، نظام اقتصادی فردی و خانواده، نظام تغذیه و طب فردی و خانواده، رسانه، تکنولوژی، نحوه نگرش به عالم و نگرش به نظام سیاسی اجتماعی با مباحث دینی و اسلامی پیوند خورده است.

ب) سیره عملی معصومین (ع) در دین اسلام

۱. رفتار یک مسئول در نظام اسلامی باید با سایر نظام‌های سیاسی متفاوت باشد.
۲. یک مسئول در نظام اسلامی باید طوری رفتار کند که مردم او و رفتارش را الگو و سرمشق خود در زندگی شخصی قرار دهند.
۳. بر اساس نقل معروف «الناس بامرائهم ائمه من ابائهم»، حاکم و کارگزار اسلامی می‌تواند الگوی یک جامعه باشد و بر سبک زندگی و رفتار مردم آن جامعه تأثیر بگذارد. مردم نیز معمولاً در زندگی‌شان به رهبران و بزرگ‌ترهای جامعه نگاه می‌کنند.
۴. رفتار و سبک زندگی رهبران و کارگزاران یک جامعه می‌تواند بیانگر سبک زندگی جامعه‌شان باشد.

بهترین راهکار در اصلاح سبک زندگی کارگزاران در کلام گهربار و ارزشمند حضرت علی (ع) است که می‌فرمایند: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسَيْرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ»: «هر که خود را در مقام پیشوایی مردم قرار دهد باید پیش از تعلیم دیگران، به تعلیم خود پردازد و پیش از آنکه به زبانش تربیت کند، با رفتار خود تربیت نماید و کسی که آموزگار و مربی خود باشد بیشتر سزاوار بزرگداشت است تا آن که آموزگار و مربی دیگران است».

۷. سبک زندگی اسلامی- ایرانی در اندیشه و بیانات رهبر انقلاب اسلامی

الف) سبک زندگی صحیح؛ عامل تداوم انقلاب

قبل از انقلاب اسلامی، تمرکز اصلی آیت‌الله خامنه‌ای بر «تجدید انقلاب اسلامی» پیامبر اسلام (ص) و تلاش علمی و عملی برای برانگیختن آگاهانه مردم برای تحقق همین اصل بوده است. با وقوع انقلاب اسلامی ایران، طرح اساسی ایشان با توجه به عبرت‌های تاریخ اسلام و وقایع رخ داده برای انقلاب اسلامی پیامبر اسلام (ص) و ائمه هدی (ع) بر «تداوم انقلاب»



به عنوان مهم‌ترین مسئولیت پس از انقلاب تمرکز یافت. انقلاب اسلامی در ساحت ایجاد خود، همان‌طور که از اسلام منشأ یافته است، متکی به مردم هم بود و از آنجا که عامل بقای آن همان عامل ایجادکننده آن است، بنابراین برخورداری مردم از سبک زندگی دینی و رواج ارزش‌های اخلاقی اسلام در جامعه و تبدیل شدن آن به ارزش‌های اصلی جامعه، یکی از ارکان تداوم انقلاب اسلامی است.

ب) بیته؛ حجت ورود به وادی دین‌داری

در اندیشه رهبر انقلاب ورود به وادی دین‌داری از طریق «معرفت ایمانی» امکان‌پذیر و کفایت‌کننده است، بلکه این نوع معرفت از «معرفت استدلالی» کاراتر و برانگیزاننده‌تر به عمل است. به همین دلیل «وقتی ابوذر مسلمان شد، پیامبر اسلام نرفته بود برهان نظم و برهان خلف و برهان علت اولی را برای او بیان کند و بگوید به این دلیل خدایی هست و خدا یکی است و این بت‌ها خدا نیستند. نخیر؛ با آن بیان پُر جاذبه خودش، ایمانی را در دل ابوذر انداخته بود. می‌دانید آن بیانی که بر اثر نورانیت ایمان در دل انسان به وجود می‌آید چقدر ارزشمند است!»

تحقق چنین معرفت ایمانی که ظرف آن دل انسان است، می‌تواند از راه‌های مختلفی صورت بگیرد؛ یعنی «چه آن را پدر و مادر به انسان بدهند، چه یک بزرگ‌تر دیگر، چه یک حادثه که گاهی آن ایمان ناب را به انسان می‌بخشد»، در هر صورت، «آن [معرفت ایمانی] برای انسان، خیلی بیشتر به کار می‌آید، تا آن استدلال‌ها». البته اهمیت و کارکرد معرفت استدلالی نفی نمی‌شود. معرفت استدلالی به لحاظ استحکام ایمان و مقابله با شبهه‌ها و وسوسه‌ها و خاصیت تردیدزدایی‌اش هم لازم است. دقت در قرآن کریم، همین معنا را تأیید می‌کند. در فرهنگ قرآن به موجب آیات متعدد از جمله آیه «إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَى وَ الرِّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَ لَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتِلَافْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَ لَكِنْ لِيُقْضَىٰ لِلَّهِ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْتَةٍ وَ يُحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَن بَيْتَةٍ وَ إِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ» اگر منظور از هلاکت و حیات یافتن را همان گراییدن به کفر و پذیرش ایمان بدانیم، آنچه در پذیرش دین و ورود به وادی دین‌داری معیار و حجت است، «بیته» است. بیته به معنای دلالت و راهنمایی آشکار است و هر آنچه موجب آشکار شدن حق از باطل شود



و به وسیله آن بتوان به آسانی و بدون مشقت به حق آگاهی پیدا کرد، بیّنه نامیده می‌شود. این بیّنه منحصر به براهین مشهور کلامی و فلسفی نیست. مشاهده یک کرامت و اعجاز از اولیای الهی یا دریافت فطری یا مشاهده حادثه غلبه غیرعادی سپاه اسلام بر سپاه دشمن یا حتی مشاهده تحقق وعده‌ای از وعده‌های الهی نیز مصادیق بیّنه هستند. بر این اساس اصل تحقق انقلاب اسلامی یا پیروزی در هشت سال دفاع مقدس، خود مصادیق و مظاهری از بیّنات الهی هستند.

ج) دلالت سبک زندگی بر نوع رفتارها

عبارت سبک زندگی را باید اخصّص از زندگی دید. با دقت در معنای واژه «سبک» می‌توان مراد از سبک زندگی را دقیق‌تر یافت. سبک مترادف واژه «سیره» بر وزن «فعلّه» در زبان عرب است. در این وزن، واژه نه بر نفس عمل که بر نوع عمل دلالت دارد و اهل لغت آن را همان طریقه، هیئت، رفتار و روش و حالتی دانسته‌اند که انسان و غیرانسان بر آن حالت باشند. شهید مطهری نیز «سیره» را نوع و سبک رفتار دانسته است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آنجا که سخن از سبک زندگی به میان آورده‌اند، هم‌ردیف آن عبارات «روش زندگی» و «عادات زندگی» را نیز به کار برده‌اند که می‌تواند حکایت از دلالت سبک زندگی بر رفتارهایی داشته باشد که به عادت یک فرد یا جامعه تبدیل شده‌اند و از آنجا که در توضیح سبک زندگی، از عبارت «چگونگی مشی زندگی» استفاده کرده‌اند، برمی‌آید که اساساً سبک زندگی، نه بر نفس عمل و رفتار، بلکه بر کیفیت، شیوه و چگونگی رفتارها دلالت دارد. بر این اساس در سبک زندگی، چگونگی آن دسته از رفتارهای فردی و اجتماعی مد نظر است که برای انسان به یک عادت یا حالت پایا تبدیل شده باشند و از نوعی تداوم برخوردار باشند.

د) اثر قطعی سبک زندگی بر تلقیات و تعلّقات

یکی از اصول تربیتی در نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای، اصل تأثیر متقابل رفتارها، باورها و گرایش‌هاست. بر این اساس، تعلّقات و تلقیات انسان از رفتارهای خوب و بد او اثر می‌پذیرد. کار اگر بد باشد (... روی دل ما اثر می‌گذارد، روی اخلاق ما اثر می‌گذارد، گاهی روی برداشت‌ها و تلقی‌های ما اثر می‌گذارد. دلبستگی که پیدا می‌کنیم، این دلبستگی



روی ذهنیات ما اثر می‌گذارد» (رهبر انقلاب، ۳ تیر ۱۳۸۸). در باب عمل خوب هم همین اصل وجود دارد. چنان که ایمان «انسان را می‌کشانند و به عمل صالح دلالت می‌کند... عمل صالح هم انسان را به ایمان دلالت می‌کند؛ یعنی یک تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد». این اصل ما را به یک راهبرد مهم می‌رساند و آن اینکه اصلاح و تغییر تمایلات و اندیشه‌ها می‌تواند به واسطه همین رفتارهای ظاهری صورت بگیرد؛ پس باید مراقب عمل جامعه و سبک زندگی جامعه بود. تأثیر عمل بر باور، قطعی و اجتناب‌ناپذیر است: «عمل بد، به تغییر باورها منتهی می‌شود». البته در منظومه فکری معظم له آنچه می‌تواند «ماده خام» وجود انسان را به «شکل‌های برتر» تبدیل کند، استمرار عمل است و همین استمرار عمل می‌تواند ادراک و آگاهی را به ایمان که همان باور قلبی است تبدیل کند. در منطق قرآن نیز عمل بد می‌تواند باور را ایجاد، متأثر و حتی متحول کند: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاؤُا السُّوَاىَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ». همین اصل در سبک زندگی نیز جاری است. در سبک زندگی دینی، تداوم عمل با معرفت دینی توأم است: «مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ...». در این آیه، منظور از کلام طیب همان عقاید حق است. علامه طباطبایی با عنایت به عبارت «الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»، مرجع ضمیر در «یرفعه» را عقاید حق می‌داند و معتقد است به میزانی که عمل مکرر شود، اعتقاد راسخ‌تر، روشن‌تر و در تأثیرش قوی‌تر می‌گردد. بر این اساس، سبک زندگی به عنوان راهبردی برای تغییر نگرش‌ها و باورها مطرح است.

ه) راهبرد مروّجان سبک زندگی غربی

خطر ترویج سبک زندگی غربی در توصیه هفتم از بیانیه گام دوم انقلاب گوشزد شد. آیت‌الله خامنه‌ای قبلاً تصریح کرده بودند که عده‌ای در داخل کشور درصدد ترویج اخلاق و سبک زندگی غربی با هدف به انحراف کشاندن انقلاب اسلامی هستند. مروّجان سبک زندگی غربی تحت عناوینی چون «تحول شخصیت ایرانی»، به هدف خود تصریح کرده‌اند. آنها با هدف پیوستن به جهانی شدن به عنوان یک فرایند غربی - آمریکایی، درصدد اصلاح حاکمیت ایران و تغییر مسیر انقلاب هستند. معتقدند راه اصلاح حاکمیت از تغییر باورها و تغییر باورها از طریق تغییر سبک زندگی و مطابقت نظم رفتاری مردم با نظم غربی می‌گذرد. در این



صورتِ خواستِ مردم با خواستِ انقلاب متفاوت می‌شود و در نتیجه انقلاب اسلامی تابع خواستِ جامعه تغییر مسیر خواهد داد. واقعیت این است که دشمن فهمیده که راه اثرگذاری بر باورهای مردم، تغییر نظم رفتاریِ ظاهری و به اصطلاح تغییر سبکِ زندگی است. تدوین اسناد بین‌المللی همچون سند آموزش ۲۰۳۰ و تولیدات و تبلیغات بی‌شمار رسانه‌ای را می‌توان در همین چارچوب تحلیل کرد.

(و) راهبردِ جریانِ فرهنگی انقلاب اسلامی

چنان که در سطور پیشین بیان شد، دشمن راهبردِ خود را بر تغییرِ سبکِ زندگی با هدفِ تغییرِ باورها متمرکز کرده است. این راهبرد البته از پشتوانه نظری برخوردار است و آن اینکه «واقعیت‌های زندگی، در فکر انسان اثر می‌گذارد؛ رفتار روزانه در دل و روح انسان اثر می‌گذارد - هم روح خود انسان، هم روح مخاطبان و معاشران انسان- اینها می‌خواهند این [سبک زندگی] را تغییر بدهند». راه مقابله با این تهاجم نیز از ترویجِ سبکِ زندگی دینی و تعمیق و گسترش آن در متن جامعه می‌گذرد. علمای دینی در حوزه تربیت نیز بر همین شیوه تأکید دارند. انسان موجودی است که نیازمند تربیتِ عقل، نفس، قلب و آدابِ ظاهریِ خود است. در این میان انسان اگر بخواهد عقل و نفسِ خود را تربیت کند، ابتدا باید از ادبِ ظاهری شروع کند. ادبِ ظاهری، اثرِ تربیتیِ خود را در نفس و قلبِ انسان خواهد گذاشت. چنان که رهبر انقلاب در توصیه هفتم بیانیه هم تأکید کردند و قبلاً در دیدار دانشجویان هم خطاب به جوانان دانشجوی گفته بودند، مسئولیتِ اصلیِ این جهاد، برعهده جوانان است. جوانان به مثابه پیشرانِ حرکتِ انقلاب، اگر خود به رعایتِ سبکِ زندگی دینی ملتزم باشند، جامعه را هم دنبال خود حرکت خواهند داد. تأکید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر مظاهرِ دینی در میان جوانان همچون اعتکاف، رونق یافتن فضاهای دینی، اردوهای جهادی، صحنه‌های عبادت، پیاده‌روی‌های زیارت اربعین و... اهمیت همین مطلب را می‌رساند.



مفاهیم نظری

۱. بسیج و روحیه بسیجی

الف) معنای بسیج

معنای بسیج، توأم کردن ایمان و عمل است؛ عمل مجاهدانه، نه صرفاً عمل شخصی. از نظر اسلام، ایمان مجرد از عمل، یک حداقل است. ایمان کامل و ایمان حقیقی آن ایمانی است که با جهاد در میدان عمل همراه باشد. «و الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوَأُو وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا» (انفال/۷۴). مؤمن حقیقی آن کسی است که ایمان را با جهاد و هجرت و نصرت همراه می‌کند. تشخص بسیجی به این است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۲).

ب) بسیج شجره طیبه

«شما میوه‌های شیرین و کام‌بخش آن درخت طیب و طاهری هستید که امام بزرگوار با دست خود در این زمین غرس کرد. این ثمردهی همچنان ادامه خواهد داشت؛ همچنان که فرمود: «الم تر كيف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها في السماء* توتی اكلها كل حين باذن ربها» (ابراهیم/ ۲۴ - ۲۵). وقتی سرزمین مستعد و آماده است، بذر پاکیزه است، آن گیاه و رویدنی تمام‌شدنی نیست؛ یعنی هیچ عاملی نمی‌تواند به آن صدمه بزند. بسیج، یک چنین درخت طیب و طاهری است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۲).

ج) رسالت بسیج

«مشکلات زیادی سر راه هست؛ عزم و اراده لازم است، نگاه به دوردست لازم است. این عزم و اراده باید باقی بماند. این شور انقلابی باید روز به روز افزایش پیدا کند. توسل و توجه به پروردگار، تمسک به اولیای الهی، راه عبادت، راه خشوع، راه تفکر بایستی به روی ما همیشه باز باشد؛ خودمان را از این راه تقویت کنیم. این شور انقلابی باید باقی باشد، اما مواظب باشید این شور و هیجان انقلابی با ارزش در جای خود مصرف نشود. نابه‌جا مصرف نشود. این احتیاج به تأمل، تفکر، آگاهی و بصیرت دارد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۲).



۲. خصوصیات بسیجی

الف) مکتبی بودن

مهم‌ترین ویژگی بسیج ایمان به خدا و اعتقاد قلبی و باور درونی به خالق یکتاست. ایمان به خدا رابطه مستحکم نیروهای بسیجی با حق تعالی است، زیرا بسیج رضایت حق تعالی را مبنای حرکت و فعالیت خود می‌داند. بنابراین مهم‌ترین مشخصه بسیجی مکتبی بودن آن است. جهاد همه‌جانبه در راه خدا، نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای نظام مقدس اسلامی از جنبه‌های دیگر مکتبی بودن نیروهای بسیجی است.

ب) اطاعت از ولایت فقیه

اطاعت از ولایت فقیه و تبعیت‌پذیری از رهبری نظام یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های بسیج است. بسیج تابع محض ولایت فقیه است و سعادت خود و جامعه را در پیروی از ولایت فقیه می‌داند، زیرا از معمار انقلاب و مؤسس بسیج آموخته است که «من به همه ملت، به همه قوای انتظامی اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیمی بر این مملکت وارد نخواهد شد».

ج) اخلاص

بسیج عاشق خداست و اخلاص به خدا مهم‌ترین خصوصیت و ویژگی بسیجیان است. زیباترین حرکت بسیجیان خمینی و فعالیت بسیجیان داشتن رنگ خدایی در کارهاست. برای همین است که امام بسیجیان، خمینی کبیر(ره)، فرمودند: «بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکیل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضا نموده‌اند.» مسئله اخلاص بسیار دقیق و ظریف است. قبولی اعمال بستگی به مقدار خلوص انسان دارد. هر چه انسان اخلاص بیشتر و کامل‌تری داشته باشد، عمل او ارزشمندتر است. امام صادق(ع) در ضرورت توجه به موضوع اخلاص می‌فرمایند: «هیچ نعمتی بالاتر از این نیست که در دل بنده چیزی جز خدا نباشد.»



د) تواضع و فروتنی

فروتنی و شکستن نفس از مهم‌ترین فضایل انسانی است که نیروهای بسیجی موصوف به چنین اخلاقی هستند. بسیج علاوه بر اینکه در مقابل خدا خاشع و فروتن است در برابر مردم متواضع است. قرآن کریم ویژگی مؤمنان و مردان خدا را چنین بیان می‌کند: «بندگان شایسته خدا کسانی هستند که با آرامش راه می‌روند و آنگاه که از نادانان حرف نامربوط می‌شنوند، نادیده می‌گیرند و اظهار محبت می‌کنند.»

ه) غیرت دینی

غیرت و جوانمردی از ویژگی‌های هر بسیجی است. به طور کلی منظور از غیرت دینی این است که نیروهای بسیجی نسبت به مسائل اخلاقی و دینی جامعه و ترویج احکام و معارف الهی حساسیت داشته باشند. اگر موضوعاتی در جامعه رخ داد که با احکام اسلامی و الهی مطابق نبود، در برابر آن عکس‌العمل نشان داده شود. موضوع غیرت در سیره معصومین (ع) و بزرگان دین به وضوح مطرح است. اگر بخواهیم نماد کلی و عینی غیرت دینی را در عصر حاضر از بزرگان دین مطرح کنیم، موضع‌گیری شجاعانه حضرت امام (ره) و فتوای تاریخی قتل سلمان رشدی، مؤلف کتاب «آیات شیطانی» است. بنابراین بسیجی هرگز در مقابل ناهنجاری‌های جامعه بی‌اعتنا یا در برابر زشتی‌ها و ناپاکی‌های اخلاقی و اجتماعی اهل تسامح و تساهل نخواهد بود.

و) حسن خلق

اخلاق نیکویی یکی از صفات پسندیده در اسلام و از شیوه‌های مطلوب جاذبه دینی و فضایل انسانی است. در میان آداب اخلاقی و سنت‌های اجتماعی، حسن برخورد با مردم در اخلاق اسلامی جایگاهی ویژه دارد و برای نیروهای بسیجی که با مردم ارتباط دارند، این موضوع درخور توجه است. مهم‌ترین جاذبه تشکیلات بسیج برای مردم متصف بودن نیروهای بسیجی به این صفت پسندیده است که به عنوان یک رفتار مطلوب میان نیروهای بسیجی رایج است. در اهمیت حسن اخلاق همین بس که پیامبر گرامی اسلام (ص) فرموده است: «برترین شما نیکوکارترین شما از نظر اخلاق است. آنان که خود را آماده خدمت کرده و با دیگران با الفت و مهربانی زندگی می‌کنند.»



ز) شجاعت

گرچه شجاعت یک صفت اخلاقی است، ولی مهم‌ترین نماد اخلاقی و رفتاری یک فرد در زندگی اجتماعی است. فرد شجاع کسی است که دارای هویت دفاعی است و در راه حفظ ارزش‌ها جرأت برخورد با عوامل دشمن را دارد. اگر شجاعت به عنوان یک فرهنگ عمومی در جامعه ما وجود داشته باشد و همه آحاد مردم صلابت و شهامت در راه دفاع از اسلام و ارزش‌های دینی را داشته باشند، بدون شک کیان اسلامی از هر خطری مصون خواهد بود. حضور مقتدرانه در دفاع مقدس و خلق حماسه‌های پرشور بسیجیان در صحنه‌های نبرد نشانه‌های عینی از شجاعت بسیجیان در صحنه‌های دفاع است که از مهم‌ترین شاخصه‌های نیروهای بسیجی است.

ح) مردمی بودن

منظور از مردمی بودن بسیج این است که آنان از متن ملت برخاستند و به صورت خودجوش و به عنوان یک حرکت مردمی به عضویت این تشکیلات درآمدند و در راستای مصالح و آرمان‌های نظام و به پیروی از ولایت فقیه به انجام وظیفه پرداختند. حضور رده‌های مقاومت بسیج بین همه قشرها و اصناف و در اقصی نقاط کشور و پذیرش و جذب آحاد مردم در سنین مختلف نماد واقعی مردمی بودن این تشکیلات است.

ط) شهادت‌طلبی

شهادت‌طلبی با وجود بسیجیان عجین شده است. بسیجی شهادت را می‌شناسد و به آن عشق می‌ورزد. حب به شهادت را بسیجی از مولای خود علی (ع) آموخته که فرموده است: «انی للشهاده لمحِب»؛ «من دوستدار شهادت هستم». نام بسیج در فرهنگ انقلاب اسلامی با ایثار و شهادت عجین شده است، زیرا ارزش‌هایی که فرهنگ اسلام و مبنای دینی برای شهادت‌قائل است بسیجی را شیفته شهادت کرده است. رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: «بالای هر نیکی، کار نیک دیگری است تا اینکه مرد در راه خدا کشته شود. وقتی در راه خدای عزوجل کشته شد بالای آن کار نیکی وجود ندارد.»



۳. اخلاق و معنویت

الف) تعریف علم اخلاق

در اینجا لازم است قبل از هر چیز سراغ تعریف اخلاق برویم. «اخلاق» جمع «خلق» (بر وزن قفل) و «خلق» (بر وزن افق) است. به گفته «راغب» در کتاب «مفردات»، این دو واژه در اصل به یک ریشه باز می‌گردند. خلق به معنی هیئت، شکل و صورتی است که انسان با چشم می‌بیند و خلق به معنی قوا، سجایا و صفاتی درونی است که با چشم دل دیده می‌شود. بنابراین می‌توان گفت: «اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است» و به گفته بعضی دانشمندان، گاه به بعضی از اعمال و رفتاری که از خلیات درونی انسان ناشی می‌شود، نیز اخلاق گفته می‌شود (اولی اخلاق صفاتی است و دومی اخلاق رفتاری).

«اخلاق» را از طریق آثار آن نیز می‌توان تعریف کرد؛ به عبارت دیگر «گاه فعلی که از انسان سر می‌زند، شکل مستمری ندارد؛ ولی هنگامی که کاری به طور مستمر از کسی سر بزند (مانند امساک در بذل و بخشش یا کمک به دیگران) نشان می‌دهد یک ریشه درونی و باطنی در اعماق جان و روح او دارد. آن ریشه را خلق و اخلاق می‌نامند. مرحوم فیض کاشانی در کتاب «حقایق» آورده است: «بدان که خوی عبارت است از هیتی استوار با نفس که افعال به آسانی و بدون نیاز به فکر و اندیشه از آن صادر می‌شود» (فیض کاشانی، ۱۳۹۷: ۵۴).

به همین دلیل اخلاق را به دو بخش تقسیم می‌کنند: «ملکاتی که سرچشمه پدید آمدن کارهای نیکو است، اخلاق خوب و ملکات فضیله نامیده می‌شود، و آنها که منشأ اعمال بد است، به آن اخلاق بد و ملکات رذیله می‌گویند.»

و نیز از همین جا می‌توان علم اخلاق را چنین تعریف کرد: «اخلاق علمی است که از ملکات و صفات خوب و بد و ریشه‌ها و آثار آن سخن می‌گوید» و به تعبیر دیگر، «سرچشمه‌های اکتساب این صفات نیک و راه مبارزه با صفات بد و آثار هر یک را در فرد و جامعه مورد بررسی قرار می‌دهد.»

در کتاب «فلسفه اخلاق» از یکی از فلاسفه غرب آمده است: «علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی آن‌گونه که باید باشد» (فلسفه اخلاق، ص ۹).



اما بعضی دیگر که بینش‌های متفاوتی دارند (مانند فولکیه) در تعریف علم اخلاق می‌گویند: «مجموع قوانین رفتار که انسان به واسطه مراعات آن می‌تواند به هدفش برسد» (الاخلاق النظریه، ص ۱۰).

ب) اهمیت اخلاق در روایات اسلامی

این مسئله در احادیثی که از شخص پیامبر اکرم (ص) و پیشوایان معصوم (ع) رسیده با اهمیت فوق‌العاده‌ای تعقیب شده است. برای نمونه چند حدیث پر معنای زیر را از نظر می‌گذرانیم:

۱. در حدیث معروفی از پیامبر اکرم (ص) می‌خوانیم: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»: «من تنها برای تکمیل فضایل اخلاقی مبعوث شده‌ام» (کنز العمال، حدیث ۵۲۱۷۵، ج ۳: ۱۶). تعبیر «انما» که برای حصر است نشان می‌دهد همه هدف بعثت پیامبر (ص) در تکامل اخلاقی انسان‌ها خلاصه می‌شود.

۲. در حدیثی از امیر مؤمنان علی (ع) می‌خوانیم: «لو کنا لانرجو جنة ولا نخشى نارا ولا ثوابا ولا عقابا لکان ینبغی لنا ان نطالب بمکارم الاخلاق فانها مما تدل علی سبیل النجاح»: «اگر ما امید و ایمانی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ، و انتظار ثواب و عقابی نمی‌داشتیم، شایسته بود سراغ فضایل اخلاقی برویم، زیرا آنها راهنمای نجات و پیروزی و موفقیت هستند» (میرزا حسین نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۲۸۳، چاپ قدیم).

۳. در حدیثی دیگر از رسول خدا (ص) آمده است: «جعل الله سبحانه مکارم الاخلاق صلة بينه وبين عباده فحسب احدکم ان یتمسک بخلق متصل بالله»: «خداوند سبحان فضایل اخلاقی را وسیله ارتباط میان خودش و بندگانش قرار داده است. همین بس که هر یک از شما دست به اخلاقی بزنند که او را به خدا مربوط سازد» (ابی فراس، ۱۴۳۷ق: ۳۶۲).

به تعبیر دیگر، خداوند بزرگ‌ترین معلم اخلاق و مربی نفوس انسانی و منبع همه فضایل است، و قرب و نزدیکی به خدا جز از طریق تخلق به اخلاق الهی امکان‌پذیر نیست!

بنابراین هر فضیلت اخلاقی رابطه‌ای میان انسان و خدا ایجاد می‌کند و او را گام به گام به ذات مقدسش نزدیک‌تر می‌سازد.

زندگی پیشوایان دینی نیز سراسر بیانگر همین مسئله است که آنها همه جا به فضایل اخلاقی دعوت می‌کردند و خود الگوی زنده و اسوه‌ای حسنه در این راه بودند. همین بس که



قرآن مجید هنگام بیان مقام والای پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «وانك لعلى خلق عظیم»: «تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری!» (قلم/۴).

ج) نقش اخلاق در زندگی و تمدن انسان‌ها

بعضی مسائل اخلاقی را امری خصوصی در زندگی شخصی یا مسائل مقدس روحانی و معنوی می‌دانند که تنها در زندگی سرای دیگر اثر دارد؛ در حالی که این تفکر اشتباه است، زیرا بیشتر مسائل اخلاقی بلکه همه آنها، آثاری در زندگی اجتماعی بشر دارد.

درست است که زندگی فردی بدون اخلاق، لطافت و شکوفایی و زیبایی ندارد؛ درست است که خانواده‌ها بدون اخلاق سامان نمی‌پذیرند؛ ولی از آنها مهم‌تر، زندگی اجتماعی بشر است که با حذف مسائل اخلاقی به سرنوشت دردناکی گرفتار می‌شود که بدتر از آن تصور نمی‌شود. ممکن است گفته شود سعادت، خوشبختی و تکامل جوامع بشری در پرتو عمل به قوانین و احکام صحیح به دست می‌آید، بی‌آنکه مبانی اخلاقی در افراد وجود داشته باشد. در پاسخ می‌گوییم عمل به مقررات و قوانین نیز بدون پشتوانه اخلاق ممکن نیست. تا از درون انسان‌ها انگیزه‌هایی برای اجرای مقررات و قوانین وجود نداشته باشد، تلاش‌های بیرونی به جایی نمی‌رسد. زور و فشار، بدترین ضمانت اجرایی قوانین و مقررات است که جز در موارد ضروری نباید از آن استفاده کرد و در مقابل آن، ایمان و اخلاق، بهترین ضامن اجرایی قوانین و مقررات محسوب می‌شود.

با این اشاره به قرآن مجید باز می‌گردیم و نمونه‌هایی از آیات قرآن را که ناظر به این مسئله مهم است مورد توجه قرار می‌دهیم:

۱. «ولو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض ولكن كذبوا فاخذناهم بما كانوا يكسبون» (اعراف/۹۶).

۲. «ولا تستوی الحسنة ولا السيئة ادفع بالتي هي احسن فاذا الذی بینک و بینة عداوة کانه ولی حمیم وما یلقها الا الذین صبروا وما یلقها الا ذوحظ عظیم» (فصلت/ ۳۴ - ۳۵).

۳. «فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم فی الامر فاذا عزمتم فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین» (آل عمران/۱۵۹).



۴. «وما ارسلنا فی قرية من نذیر الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به کافرون» (سبا/۳۴).

۵. «وابتغ فیما اتک الله الدار الآخرة ولا تنس نصیبک من الدنيا واحسن كما احسن الله الیک ولا تبغ الفساد فی الارض ان الله لایحب المفسدین* قال انما اوتیته علی علم عندی اولم یعلم ان الله قد اهلك من قبله من القرون من هو اشد منه قوة واكثر جمعا ولا یستل عن ذنوبهم المجرمون» (قصص/۷۷-۷۸).

۶. «فقلت استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا* ویمددکم باموال وبنین ویجعل لکم جنات ویجعل لکم انهارا» (نوح/۱۰-۱۲).

۷. «ولو انهم اقاموا التوریه والانجیل وما انزل الیهم من ربهم لاکلوا من فوقهم ومن تحت ارجلهم منهم امة مقتصده وکثیر منهم ساء ما یعملون» (مائده/۶۶).

۸. «من عمل صالحا من ذکر او انثی وهو مؤمن فلنحیینه حیوة طیبه ولنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون» (نحل/۹۷).

۹. «ومن اعرض عن ذکری فان له معیشة ضنکا ونحشره یوم القیمة اعمی» (طه/۱۲۴).

۱۰. «ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ریحکم» (انفال/۴۶).

ترجمه:

۱. و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم، ولی [آنها حق را] تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

۲. هرگز نیکی و بدی یکسان نیست. بدی را با نیکی دفع کن ناگاه [خواهی دید] همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است!

۳. به [برکت] رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم [و مهربان] شدی! و اگر تندخو و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب! و در کارها با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی [قاطع باش و] بر خدا توکل کن زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد!

۴. و ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری بیم‌دهنده نفرستادیم مگر اینکه مترفین آنها [که مست ناز و نعمت بودند] گفتند: «ما به آنچه فرستاده شده اید کافریم!»

۵. و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب، و بهرات را از دنیا فراموش مکن! و



همان گونه که خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن! و هرگز در زمین در جست و جوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد! * [قارون] گفت: «این ثروت را به وسیله دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام!» آیا او نمی دانست که خداوند اقوامی را پیش از او هلاک کرده که نیرومندتر و ثروتمندتر از او بودند؟! [و هنگامی که عذاب الهی فرا رسد] مجرمان از گناهان شان سؤال نمی شوند!

۶. به آنها گفتیم: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است! * تا باران های پر برکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد! * و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ های سرسبز و نه‌های جاری در اختیارتان قرار دهد!

۷. و اگر آنان تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارشان بر آنها نازل شده [قرآن] برپا دارند، از آسمان و زمین روزی خواهند خورد. جمعی از آنها معتدل و میانه‌رو هستند، ولی بیشترشان اعمال بدی انجام می دهند.

۸. هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم، و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند، خواهیم داد.

۹. و هر کس از یاد من رویگردان شود، زندگی [سخت و] تنگی خواهد داشت، و روز قیامت او را نابینا محسور می کنیم!

۱۰. ... و نزاع [و کشمکش] نکنید، تا سست نشوید و قدرت [و شوکت] شما از میان نرود!

د) تفسیر و جمع بندی

در نخستین آیه، سخن از رابطه برکات زمین و آسمان با تقواست و با صراحت می فرماید: ایمان و تقوا سبب می شود برکات آسمان و زمین به سوی انسان ها سرازیر شود و به عکس، تکذیب آیات الهی (و بی تقوایی) سبب نزول عذاب می گردد.

«برکت» در اصل به معنی ثبات و استقرار چیزی است. این واژه بر هر نعمت و موهبتی که پایدار بماند اطلاق می شود؛ بنابراین موجودات بی برکت آنها هستند که ثبات و قراری ندارند و زود فانی و نابود می شوند.



بسیارند امت‌هایی که امکانات مادی فراوان و منابع زیرزمینی و روزمینی و انواع صنایع دارند، ولی به علت تباهی اخلاق و فساد اعمال که نتیجه مستقیم فساد اخلاق است، این مواهب برای آنها ناپایدار و فاقد برکت است و غالباً در مسیر نابودی‌شان به کار گرفته می‌شود. به تعبیر دیگر، هرگاه مواهب الهی با ایمان، اخلاق و اصول انسانی همراه باشد، مایه عمران، آبادی، رفاه، آسایش، سعادت و نیکبختی است. این همان چیزی است که در آیه مورد بحث به آن اشاره شده است. به عکس، هرگاه با سوء اخلاق، بخل، ظلم، خودکامگی و هوس بازی همراه باشد، مایه تباهی و فساد است!

در دومین آیه، شیوه بسیار مؤثر و مهمی برای پایان دادن به کینه‌توزی‌ها و عداوت‌ها ارائه می‌دهد و نقش اخلاق را در برچیدن نفرت‌ها و کینه‌ها روشن می‌سازد و می‌فرماید: «با نیکی، بدی را دفع کن تا دشمنان سرسخت همچون دوستان گرم و صمیمی شوند» (ادفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینه عداوة کانه ولی حمیم).

سپس می‌افزاید: این کار، کار همه کس نیست و این بزرگواری و سعه صدر، از هر کس بر نمی‌آید. «تنها کسانی به این مرحله می‌رسند که دارای صبر و استقامت‌اند، و تنها کسانی به این فضیلت اخلاقی نائل می‌شوند، که بهره‌عظیمی از ایمان و تقوا دارند!» (وما یلقها الا الذین صبروا وما یلقها الا ذو حظ عظیم).

در سومین آیه، از تأثیر حسن اخلاق در جلب و جذب مردم سخن می‌گوید و نشان می‌دهد یک مدیر متخلق به اخلاق الهی تا چه حد در کار خود موفق است و چگونه دل‌های ریمیده را در اطراف خود جمع و متحد می‌کند. اتحادی که مایه پیشرفت و تکامل جامعه‌هاست. می‌فرماید: «از پرتو رحمت الهی در برابر آنها نرم و مهربان شدی! و اگر تندخو و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. آنها را عفو کن و برای آنها آمرزش الهی بخواه، و در کارها با آنها مشورت کن، اما هنگامی که تصمیم گرفتی، قاطع باش و بر خدا توکل کن زیرا خدا متوکلان را دوست دارد! (فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین).

این آیه تأثیر عمیق حسن اخلاق را در پیشرفت امر مدیریت، جلب و جذب دل‌ها، وحدت صفوف و پیروزی و موفقیت جامعه نشان می‌دهد؛ بنابراین، تأثیر حسن اخلاق تنها در بعد الهی و معنوی آن خلاصه نمی‌شود، بلکه اثر وسیعی در زندگی مادی انسان‌ها دارد.



دستورهای سه‌گانه‌ای که ذیل آیه آمده یعنی «عفو و گذشت از خطاها»، «طلب آمرزش از پیشگاه خدا» و «مشورت در کارها» نیز در همین راستاست؛ زیرا این خلق و خو که از مهربانی و تواضع سرچشمه می‌گیرد سبب عفو و گذشت و استغفار جبران خطاهای پیشین و احترام به شخصیت و ارزش وجودی انسان‌ها می‌شود.

چهارمین آیه، آثار منفی اخلاق سوء را نشان می‌دهد. همیشه و همه جا در برابر پیامبران راستین، گروه مترفین قیام کردند، همان‌ها که مست ناز و نعمت بودند، و روح تکبر و خودخواهی همه وجودشان را پر کرده بود.

این خلق و خوی زشت سبب می‌شود در برابر هرگونه اصلاح اجتماعی بایستند؛ مردان حق را بکشند، و صدای حق‌طلبان را خاموش کنند و بذر فساد و ظلم و طغیان را در جامعه‌ها پیاشدند. از اینجا نمونه دیگری از تأثیر اخلاق سوء در وضع جوامع بشری روشن می‌شود.

در پنجمین آیه، با چهره دیگری از این مسئله روبه‌رو می‌شویم. این آیه داستان «قارون» ثروتمند، مغرور و خودخواه بنی اسرائیل را بیان می‌کند. او با غرور و تکبر مخصوص به خود گفت: «این ثروت عظیم را به وسیله علم و دانش (و لیاقت و کاردانی‌ام) به دست آورده‌ام!» (قال انما اوتيته على علم عندي). یعنی نگویید خدا به من داده است، بگویید علم و لیاقت و درایت‌م به من داده است. سرانجام همین کبر و غرور او را به وادی هولناک انکار آیات الهی و ادامه فساد و ظلم و همکاری با دشمنان حق و عدالت کشانید، و در یک حادثه عجیب، او و همه اموالش در کام زمین فرو رفتند.

در ششمین آیه، شکایت حضرت نوح(ع) به پیشگاه خدا را می‌خوانیم که در لابه‌لای آن اشارات پرمعنایی به تأثیر اعمال آدمی- و خلق و خوهایی که پشتوانه این اعمال است- در زندگی فردی و اجتماعی انسان شده است.

همین معنی در سوره هود به شکل دیگری آمده است که از زبان پیامبر اسلام(ص) خطاب به مشرکان مکه می‌فرماید: «دعوت من این است که از پروردگار خویش آمرزش بطلبید و استغفار کنید، و به سوی او بازگردید، تا مواهب نیکو را در مدت معینی در اختیار شما بگذارد!» (وان استغفروا ربکم ثم توبوا الیه یمتکم متاعا حسنا الی اجل مسمى) (هود/۳). بی‌شک بخشش «متاع حسن» تا سرآمد معینی، اشاره به مواهب مادی زندگی دنیاست که در گرو استغفار و توبه از گناه و بازگشت به سوی خدا و تخلق به اخلاق قرار داده شده است.



شک نیست که صفات زشت سرچشمه انواع گناهان است و گناهان سبب گسترش فساد در جامعه و ازهم گسیختگی رشته وحدت، اتحاد، دوستی، برادری و اعتماد میان آنهاست و همین امر سبب عقب ماندگی در مسائل عمران، آبادی، توسعه اقتصادی، سلامت نفوس و رفاه مادی و تکامل معنوی می شود.

باز در اینجا رابطه و پیوند نزدیک میان اعمال صالح و تقوا از یک سو، و نزول برکات زمین و آسمان را از سوی دیگر مشاهده می کنیم. این رابطه می تواند هم جنبه روحانی داشته باشد و هم طبیعی، و در حقیقت هر دو آنهاست.

در هشتمین آیه، به تعبیری تازه برخورد می کنیم و آن پیوند و ارتباط حیات طیبه (زندگی پاک و پاکیزه) با اعمال صالح (و صفات سرچشمه آن اعمال) است. می فرماید: «هر کس عمل صالح انجام دهد در حالی که مؤمن است، خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه می بخشیم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام داده اند خواهیم داد!»

ه) رابطه اخلاق و عرفان

درباره رابطه «اخلاق» و «عرفان» و اخلاق و «سیر و سلوک الی الله» نیز می توان گفت: «عرفان» بیشتر به معارف الهی می نگرند، آن هم نه از طریق علم و استدلال، بلکه از طریق شهود باطنی و درونی، یعنی قلب انسان آن چنان نورانی و صاف گردد و دیده حقیقت بین او گشوده شود و حجابها برطرف گردد که با چشم دل ذات پاک خدا و اسما و صفات او را ببیند و به او عشق ورزد. بدیهی است علم اخلاق چون می تواند به برطرف شدن رذایل اخلاقی که حجابهایی است در برابر چشم دل، کمک کند، یکی از پایه های عرفان الهی و مقدمات آن خواهد بود.

اما «سیر و سلوک الی الله» که هدف نهایی آن رسیدن به «معرفه الله» و قرب جوار او است، آن هم در حقیقت مجموعه ای از «عرفان» و «اخلاق» است. سیر و سلوک درونی، نوعی عرفان است که انسان را روز به روز به ذات پاک او نزدیک تر می کند، حجابها را کنار می زند، و راه را برای وصول به حق هموار می سازد؛ و سیر و سلوک برونوی همان اخلاق است، منتها اخلاقی که هدفش را تهذیب نفوس تشکیل می دهد نه فقط بهتر زیستن از نظر مادی.

و) پشتوانه الهی مسائل اخلاقی

درست است که هر یک از پشتوانه‌های گذشته برای سوق دادن به سوی مسائل اخلاقی نقشی دارد، ولی همان‌گونه که در تحلیل‌ها اشاره شد، بعضی از این پشتوانه‌ها خالی از جنبه‌های انحرافی نیست مانند پشتوانه سودجویی و منفعت‌طلبی که در همه حال راه خود را طی می‌کند؛ گاه در مسیر مسائل اخلاقی سیر می‌کند و در پاره‌ای از اوقات از آن جدا می‌شود. در اینجا اصالت با انگیزه‌های معنوی است و به تعبیر روشن‌تر، ذات پاک خداوند که کمال مطلق و مطلق کمال و جامع جمیع صفات جمال و جلال است، محور اصلی شمرده می‌شود، و هر انسانی می‌کوشد خود را به آن کمال مطلق نزدیک کند و پرتوی از اسما و صفات او را درون جان خود زنده نماید؛ روز به روز به او نزدیک‌تر و شبیه‌تر شود (هر چند ذات پاکش از هرگونه شبیه و مانند واقعی منزه است). در این مسیر که به سوی بی‌نهایت می‌رود، هیچ حد و مرزی از کمال را به رسمیت نمی‌شناسد. وجود او مملو از عشق به خدا یعنی کمال مطلق می‌شود، و انوار ذات و صفات او وجودش را روشن می‌سازد، به طوری که هر لحظه فضیلت و کمال برتر و بالاتری را طالب است؛ نه در قید منافع مادی است، نه اخلاق را برای شخصیت می‌خواهد و نه تنها وجدان انگیزه اوست، بلکه انگیزه‌ای برتر و بالاتر از همه اینها دارد.

قرآن مجید به روشنی اعمال اخلاقی را زاینده ایمان به خدا و روز قیامت می‌شمرد و در بسیاری از آیات «عمل صالح» پشت سر ایمان و به عنوان ثمره درخت ایمان آمده است. در یک اشاره زیبا می‌فرماید: «الم تر کیف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها في السماء* توتی اكلها كل حين باذن ربها»: «آیا ندیدی چگونه خداوند کلمه طیبه را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن ثابت و شاخه آن در آسمان است و در هر زمان میوه‌های خود را به فرمان پروردگار می‌دهد» (ابراهیم/ ۲۴ - ۲۵).

در سوره «والعصر» همین معنی با تعبیری دیگر آمده است آنجا که همه انسان‌ها را در زیان و خسران می‌بیند و تنها کسانی را استثنا می‌کند که در درجه اول، ایمان و سپس عمل صالح دارند، و از حق دفاع و به صبر و استقامت توصیه می‌کنند (والعصر ان الانسان لفي خسر* الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر).



همین معنی با تعبیر جالب دیگری در آیه ۲۱ سوره «نور» آمده است: «ولولا فضل الله علیکم ورحمته مازکی منکم من احد ابدا ولكن الله یزکی من یشاء»: «اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود، هیچ‌یک از شما هرگز تزکیه نمی‌شد، ولی خداوند هر که را بخواهد [و شایسته بداند] تزکیه می‌کند». بنابراین، پاکی اخلاق و عمل و تزکیه کامل انسان جز در سایه ایمان به خدا و رحمت او ممکن نیست.

همین معنی با تعبیر دیگری در سوره «اعلی» دیده می‌شود: «قد افلح من تزکی* و ذکر اسم ربه فصلی»: «به یقین کسی که پاکی جست [و خود را تزکیه کرد]، رستگار شد و [آن که] نام پروردگارش را یاد کرد سپس نماز خواند!» (اعلی / ۱۴-۱۵).

مطابق این آیات، تزکیه اخلاقی و عملی رابطه‌ای نزدیک با نام پروردگار و نماز و نیایش او دارد. اگر از آن مایه بگیرد، ریشه‌دار و پر دوام خواهد بود، و اگر به اصول دیگری متکی شود، سست و کم‌محتوا خواهد بود.

به این ترتیب، رابطه تنگاتنگی که میان «ایمان» و «تقوا» است روشن می‌شود و اینکه قوی‌ترین و عالی‌ترین پشتوانه اخلاق، ایمان به خدا و احساس مسئولیت در پیشگاه اوست. ایمانی که فراتر از مسائل مادی است و با چیزی نمی‌توان آن را مبادله کرد، همه جا با انسان است و لحظه‌ای از او جدا نمی‌شود، و همه چیز در برابر آن کوچک و کم‌رنگ است.

قوی‌ترین چهره‌های اخلاق را که ایثار و فداکاری را در حد اعلی داشته‌اند، در زندگانی اولیاء الله مشاهده می‌کنیم. به همین دلیل، در جوامع مادی که همه چیز با معیار منافع شخصی سنجیده می‌شود، مسائل اخلاقی بسیار کم‌رنگ است، و غالباً در مواردی رسمیت دارد که در طریق همان منافع شخصی است. حسن خلق، ادب، امانت، درستکاری، وفا و سخاوت، همه تا آنجا ارزش دارد که بتواند سود مادی بیشتری را جلب کند و آنجا که سود مادی به خطر افتاد، همه اینها رنگ می‌بازند!

پدر و مادر که در سنین بالا قدرت سوددهی ندارند به کلی فراموش می‌شوند و آنها را به مراکز نگهداری سالمندان می‌فرستند تا در انتظار مرگ روزشماری کنند!

فرزندان به محض اینکه توانایی کاری پیدا کنند، از خانه بیرون فرستاده می‌شوند، نه برای اینکه استقلال اقتصادی پیدا کنند، بلکه بدان علت که برای همیشه فراموش شوند.

همسران نیز تا آنجا شریک زندگی و مورد علاقه‌اند که سود و لذت مادی بیافرینند در غیر این صورت، فراموش می‌شوند و به همین دلیل، طلاق در این کشورها بیداد می‌کند! در مکتب‌های مادی که برای اخلاق پشتوانه الهی وجود ندارد، استقبال از شهادت در مسیر آرمان‌های والا، نوعی حرکت انتحاری و بی‌معنی است! و سخاوت‌هایی که سبب بخشش بیشتر اموال انسان می‌شود، نوعی جنون محسوب می‌شود! عفت و پارسایی، ضعف نفس، و زهد و بی‌اعتنایی به زرق و برق عالم ماده، دلیل بر ناآگاهی و ساده‌لوحی است. قدرت‌های برخاسته از این جوامع و سران این کشورها، بهترین نمونه‌هایی هستند که معیار اخلاق را در این جوامع نشان می‌دهند. برخورد دوگانه و چندگانه با مسائل مربوط به «حقوق بشر» از سوی این قدرت‌ها، بسیار وحشت‌انگیز است، آنجا که حقوق انسان‌ها گوشه‌ای از منافع آنها را به خطر می‌اندازد، به کلی فراموش و این ارزش والا در پای منافع آنان قربانی می‌شود.

ولی خداپرستان با اعتقاد به زندگی پس از مرگ، و دادگاه عدل الهی در قیامت، بر این باورند که اگر آثار نیکی از خود به یادگار بگذارند و انسان‌های نیازمند از آن بهره‌مند شوند، هر چند بعد از هزاران هزار سال باشد، برکات معنوی آن، به آنها در جهان دیگر می‌رسد؛ بنابراین، آنها نه تنها وجودی مفید برای امروزند، که برای فردا و هزاران سال دیگر نیز فکر می‌کنند.

پیامبر اکرم (ص) در حدیثی معروف می‌فرماید: «اذا مات المؤمن انقطع عمله الا من ثلاث: صدقة جاریة، او علم ينتفع به او ولد صالح يدعو له»: «هنگامی که مؤمن از دنیا می‌رود، عملش قطع می‌شود مگر از سه چیز: صدقات جاریه [اموالی که به صورت موقوفه و مانند آن در آمده و مردم دائم از آن استفاده می‌کنند] و علوم و دانش‌هایی که انسان‌ها از آن سود می‌برند و فرزند صالحی که برای او دعا می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۲).

به این ترتیب، ایمان به جهان دیگر سبب کارهای اخلاقی مهمی مانند باقی گذاشتن صدقات جاریه و آثار علمی مفید، و فرزندانی صالح می‌شود؛ در حالی که این امور در مکتب سودپرستان مادی هیچ‌کدام مفهوم درستی ندارد.

مفسران در تفسیر «شجره طیبه» و اینکه آیا چنین تشبیهی وجود خارجی دارد یا نه؟ گفت‌وگوی بسیار کرده‌اند. گاه گفته‌اند شجره طیبه همان کلمه لا اله الا الله است، و گاه آن را به اوامر الهی، و گاه به ایمان تفسیر کرده‌اند، که همه آنها به یک حقیقت باز می‌گردد.



همچنین درباره درختی که ریشه‌هایش در اعماق زمین، و شاخه‌هایش در آسمان‌ها باشد و همیشه دارای میوه باشد، سخن بسیار گفته‌اند. ولی نباید فراموش کنیم که لازم نیست هر تشبیهی در همه جهاتش وجود خارجی داشته باشد. برای مثال می‌گوییم قرآن همچون آفتابی است که هرگز غروب ندارد. به یقین در خارج آفتاب بی‌غروب وجود ندارد؛ بنابراین، منظور فقط تشبیه قرآن به وجود آفتاب است؛ ولی ویژگی‌های این آفتاب ممکن است با آنچه در خارج دیده می‌شود متفاوت باشد.

ز) رابطه «علم» و «اخلاق»

در آیات مورد بحث، قرآن مجید بارها تعلیم کتاب و حکمت را در کنار تزکیه و پاکسازی اخلاقی قرار می‌دهد؛ گاه «تزکیه» را بر «تعلیم» مقدم می‌دارد، و گاه «تعلیم» را بر «تزکیه» و این نشان می‌دهد که میان این دو رابطه‌ای عمیق است. هنگامی که انسان از خوبی و بدی اعمال و صفات اخلاقی آگاه گردد و آثار و پیامدهای هر یک از صفات «فضیلت» و «رذیلت» را بداند، بی‌شک در تربیت و پرورش او مؤثر است؛ به طوری که می‌توان گفت بسیاری از زشتی‌های عمل و اخلاق، از ناآگاهی‌ها سرچشمه می‌گیرد. به همین دلیل، اگر علم و آگاهی جای جهل و نادانی را بگیرد، و به تعبیر دیگر، سطح فرهنگ بالا برود، بسیاری از زشتی‌ها جای خود را به زیبایی‌ها، و بسیاری از مفاسد اخلاقی جای خود را به محاسن اخلاقی می‌دهد؛ ولی باید توجه داشت این مسئله کلیت ندارد.

گروهی به پیروی از گفتار معروف سقراط، فیلسوف یونانی، که معتقد بود علم و حکمت سرچشمه اخلاق حمیده است، و رذایل اخلاقی معلول جهل و نادانی است، عقیده دارند که تنها راه برای مبارزه با رذایل اخلاق و پیدایش فضایل اخلاقی گسترش علم و دانش و افزایش سطح افکار جامعه است، و به این ترتیب «فضیلت» مساوی «معرفت» می‌شود.

در مقابل شاید کسانی هستند که مایل‌اند رابطه این دو را به کلی نفی کنند و طبق مثل معروف بگویند: «دزدانی که با چراغ می‌آیند، کالاهای گزیده‌تر می‌برند!» ولی انصاف این است که رابطه علم و اخلاق را نه می‌توان به کلی انکار کرد و نه می‌توان به طور کامل، اخلاق را معلول علم دانست.

اینها همه بدان علت است که انسان موجودی دوبعدی است. یک بعد وجود او را علم و ادراک و آگاهی تشکیل می‌دهد، و یک بعد وجود او را امیال و غرایز و شهوات؛ به همین دلیل، گاه با میل و اختیار خود بعد اول را ترجیح می‌دهد و گاه دوم را.

قرآن مجید در چندین آیه به رابطه میان جهل و اعمال سوء اشاره کرده است؛ برای مثال می‌فرماید: «انه من عمل منکم سوء بجهالة ثم تاب من بعده واصلح فانه غفور رحیم»: «هر کس از شما کار بدی از روی نادانی انجام دهد، سپس توبه و اصلاح و جبران نماید، خداوند آمرزنده و مهربان است» (انعام/۵۴).

از سوی دیگر، در بعضی آیات به صراحت می‌گوید: «کسانی هستند که با علم و آگاهی، راه غلط را می‌پیمایند»؛ برای مثال، درباره آل فرعون می‌فرماید: «وجحدوا بها واستیقنتها انفسهم ظلما وعلوا»: «آنها آیات ما را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، در حالی که در دل به آن یقین داشتند» (نمل/۱۴).

درباره گروهی از اهل کتاب می‌فرماید: «ویقولون علی الله الکذب وهم یعلمون»: «آنها بر خدا دروغ می‌بندند در حالی که می‌دانند» (آل عمران/۷۵).

تجربیات روزمره نیز این واقعیت را نشان می‌دهد که آگاهی بر زیان‌های اخلاق رذیله در بسیاری موارد می‌تواند بازدارنده باشد، و در عین حال موارد زیادی هم دیده می‌شود که افراد آگاه، دست به اعمال سوء می‌زنند و اخلاق رذیله را برای خود ترجیح می‌دهند. به این ترتیب، مکتب واسطه در اینجا با واقعیت‌ها منطبق‌تر است.

۴. مفاهیم خانواده

الف) تعاریف لغوی و قرآنی خانواده

خانواده، کانونی مقدس است که در سایه پیوند زناشویی دو انسان از دو جنس مخالف پایه‌گذاری شده است و با پیدایش و تولید فرزندان کامل‌تر می‌شود. خانواده به عنوان اولین کانون زندگی در رفتار شخص در جامعه و میزان موفقیت وی تأثیر زیادی دارد. شیوه رفتار اعضای خانواده باعث شکل‌گیری اولیه شخصیت انسان می‌شود. به مرور زمان با وجود تأثیر این شخصیت از عوامل دیگر، همچنان از خانواده تأثیر می‌پذیرد. همچنین اگر در خانواده‌ای رفتار شایسته‌ای با فرد شود، در نحوه پذیرش اعتقاد او نیز تأثیرگذار است.



بررسی سبک زندگی خانواده برتر و متعالی ضرورت دارد؛ به خصوص اگر این سبک‌ها متأثر از دیدگاه خالق انسان و نگرش وحیانی قرآن باشد که به جنبه‌های مختلف دنیوی و اخروی انسان توجه داشته و هیچ جنبه‌ای از جنبه‌های گوناگون خلقت را فراموش نکرده است. بی‌شک این نگاه جامع است و در صورت تدوین صحیح، آسیبی را متوجه خود نخواهد ساخت. ناگفته نماند «خانواده برتر و متعالی» را می‌توان خانواده‌ای دانست که روابط بین اعضا بر اساس اندیشه توحیدی بنا نهاده شده باشد. در مقابل برخی خانواده‌ها یگانگی پروردگار و ملزومات آن را در اعتقاد، اخلاق یا رفتار خانواده اصل قرار نداده و «خانواده ناهل» شده‌اند.

«خانواده» در لغت به معنی خاندان، دودمان، اهل خانه، زن و فرزند و فامیل به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۶: ۹۴۳) و به اندازه‌ای معروف است که نیاز به تعریف ندارد؛ اما شاید تصور همه از آن یکسان نباشد. حتی برخی توصیف آن را کاری مشکل می‌دانند. اما خانواده در نظر بسیاری از مردم به منزله یک واحد اجتماعی است که شامل یک زوج متأهل و فرزندان‌شان است که در خانه‌ای در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند (دانش خانواده، ۱۳۸۷: ۷۷).

هدف از تشکیل و تداوم خانواده، به تناسب زن و مردی که آن را تشکیل می‌دهند، متفاوت است. برخی از اهداف خانواده را به طور اجمال می‌توان تحقق جامعه سالم، تداوم نسل، تأمین نیازهای اساسی، تربیت اجتماعی نسل، حراست ایمان، جمال اجتماعی، رشد و بالندگی دانست (دانش خانواده، ۱۳۸۷: ۹۶-۸۴). ولی در منطق قرآن هدف از تشکیل خانواده آرامش انسان و دوستی و مهربانی (روم/۲۱) و ایمان به پروردگار و شکر نعمت پروردگار (نحل/۷۲) دانسته شده است.

قرآن در توصیف زن به عنوان یکی از ارکان اصلی خانواده تعابیر گوناگونی به کار برده است. زمانی که از آدم و همسرش سخن به میان می‌آید واژه «زوج» به کار می‌رود (بقره/۳۵)؛ ولی در مواردی چون همسر عزیز (یوسف/۵۱)، همسر نوح (تحریم/۱۰)، همسر لوط (تحریم/۱۰)، و همسر فرعون (قصص/۹) از واژه «امرات» استفاده کرده است. علت تفاوت تعبیر را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که واژه زوج زمانی به کار می‌رود که مسئله زوجیت یا جفت بودن مرد برای زن محور و معیار اصلی آیه است و حکمت و آیتی را بیان می‌کند یا در مقام تشریح و تبیین حکمی است؛ اما هر جایی که آیت زوجیت یعنی آن آرامش، دوستی و مهربانی به سبب



خیانت یا ناسازگاری در عقاید از میان رفته باشد دیگر زوج نیست بلکه امرأت است. همچنین در مواردی که فلسفه ازدواج با مسئله‌ای چون عقیم شدن یکی از طرفین از میان برود، امرأت به کار رفته است نه زوج (اعجاز بیانی قرآن، ۱۳۸۲: ۲۲۴-۲۴۶).

همچنین در منطق قرآن هر کسی که از پدر و مادر متولد شود «اهل» آن خانواده به شمار نمی‌آید؛ همان‌طور که درباره فرزند نوح (ع) می‌فرماید: «يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» (نوح/۴۶). از عموی ابراهیم (ع) در آیاتی (مریم/۴۲؛ انبیاء/۵۲) به «اب» تعبیر شده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۲: ۴۸؛ جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۵ق، ۲: ۱۴۹). پس می‌توان گفت خانواده به کسی گفته می‌شود که ارتباط دینی یا آیینی با فرد دارد و به هر زن و شوهری در فرهنگ قرآن خانواده گفته نمی‌شود.

ب) حیات طیبه چیست؟

مفسران تفسیرهای متعددی از حیات طیبه (زندگی پاکیزه) بیان کرده‌اند. بعضی آن را به روزی حلال، بعضی به قناعت و رضا به داده الهی، بعضی به عبادت همراه با روزی حلال، بعضی به توفیق بر اطاعت فرمان الهی و بعضی به هرگونه پاکیزگی از آلودگی‌ها، ظلم‌ها، خیانت‌ها، عداوت‌ها، اسارت‌ها و ذلت‌ها تفسیر کرده و طهارت، پاکیزگی، رفاه و آسایش را در مفهوم آن مندرج دانسته‌اند؛ ولی با توجه به جمله «ولنجزینهم اجرهم» که ناظر به پاداش آخرت است، بیشتر به نظر می‌رسد «حیات طیبه» اشاره به زندگی پاکیزه این دنیا باشد.

در نهمین آیه از آیات مورد بحث، اعراض از یاد خدا و حالت غفلت و بی‌خبری سرچشمه «معیشت ضنک» (زندگی تنگ و سخت) دانسته شده است و خداوند می‌فرماید: «هر کس از یاد من رویگردان شود زندگی سخت و تنگی خواهد داشت، و روز قیامت او را نابینا محسوس می‌کنیم» (ومن اعرض عن ذکری فان له معیشتة ضنکا ونحشره یوم القیمة اعمی).

می‌دانیم یاد خدا و توجه به اسما و صفات والای او که ذات پاکش منبع تمام کمالات، بلکه کمال کل فی الکل است، سبب پرورش فضایل اخلاقی در نهاد آدمی است و او را روز به روز از نظر خلق و خو به اسما و صفات الهی نزدیک‌تر می‌سازد. این خلق و خو که سرچشمه اصلی اعمال صالح انسان است، زندگی را برای او گسترده، آسان، پاک و پاکیزه می‌کند. به عکس، اعراض و رویگردانی از ذکر خدا، انسان را از این منبع نور دور می‌سازد و به خلق و



خوی ظلمانی شیاطین نزدیک می‌کند و همین مسئله سبب معیشت ضنک می‌شود و زندگی مرگ‌بار در انتظار انسان است. در این آیه خداوند باصراحت رابطه اخلاق و ایمان را با وضع زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها آشکار می‌سازد.

جمعی از مفسران یا ارباب لغت «معیشت ضنک» را به زندگی و درآمدهای حاصل از کسب حرام تفسیر کرده‌اند، زیرا چنین زندگی‌ای سرچشمه ناراحتی‌های فراوان است. در دهمین آیه، به یکی از آثار سوء عداوت و دشمنی و نزاع - که موجب فرو ریختن و ویران شدن پایه‌های وحدت و بر باد رفتن قوت و قدرت انسان است - اشاره می‌کند و می‌فرماید: «نزاع و کشمکش نکنید که سست می‌شوید و قدرت و شوکت شما از میان می‌رود» (ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ریحکم).

بدیهی است منازعات و اختلافات و کشمکش‌ها همواره زاییده خلق و خواهایی رذیله و پست است؛ انحصارطلبی، خودخواهی، منفعت‌پرستی، خودبرتربینی، حرص، کینه، حسد و مانند اینها هر یک از سرچشمه‌های نزاع محسوب می‌شود، و نتیجه آن فشل و سستی و بر باد رفتن عزت و شوکت است.

به هر حال، سرچشمه اختلاف هر چه باشد (خودخواهی، سودپرستی، حسد، بخل، کینه‌توزی و غیر آن) تأثیرش در زندگی انسان‌ها و عقب‌افتادگی اجتماعی، انکارناپذیر است و از اینجا پیوند مسائل اخلاقی و مسائل زندگی اجتماعی انسان‌ها روشن می‌شود.

ج) نتیجه

از آیات بالا به خوبی استفاده می‌شود که هر خلق و خوی برجسته انسانی علاوه بر جنبه‌های معنوی و اخروی، تأثیری عمیق در زندگی مادی و دنیوی انسان‌ها دارد؛ به همین دلیل، نباید تصور کرد مسائل اخلاقی یک سلسله مسائل فردی و شخصی است، و چیزی جدا از زندگی اجتماعی انسان‌هاست؛ بلکه به عکس، رابطه بسیار قوی و نزدیک با آن دارد و هرگونه دگرگونی اجتماعی، بدون دگرگونی اخلاقی امکان‌پذیر نیست.

بدیهی است آمادگی‌های اخلاقی که برای هضم نقاط اختلاف و رسیدن به وحدت، قدرت و عظمت لازم است، چیزی نیست که با گفت‌وگو به دست آید، بلکه نیازمند تهذیب نفوس و تعلیم و تربیت کافی است که موجب رشد و تعالی جهات اخلاقی می‌شود.

۵. رابطه زندگی مادی با مسائل اخلاقی در روایات اسلامی

در روایات اسلامی بر تأثیر عمیق صفات اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها تأکید شده است که در زیر به قسمتی از این احادیث پر معنی اشاره می‌شود:

۱. در حدیثی از امیرمؤمنان علی(ع) می‌خوانیم: «فی سعة الاخلاق كنوز الارزاق»: «گنج‌های روزی‌ها در اخلاق خوب و گسترده، نهفته شده است!» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۵: ۵۳).

۲. در حدیث دیگر از امام صادق(ع) می‌خوانیم: «حسن الخلق یزید فی الرزق»: «حسن خلق روزی را زیاد می‌کند!» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۸: ۳۹۶).

۳. در حدیث دیگری از علی(ع) درباره تأثیر حسن اخلاق در جلب و جذب مردم به استحکام رابطه دوستی در میان آنها چنین آمده است: «من حسن خلقه کثر محبوه و آنست النفوس به»: «کسی که اخلاقش نیکو باشد، دوستانش فراوان می‌شوند و مردم به او انس می‌گیرند» (تمیمی آمدی، ۱۴۲۹ق).

۴. در حدیث دیگری از امام ششم، امام صادق(ع) این معنی باصراحت بیشتری آمده است. امام می‌فرماید: «ان البر و حسن الخلق یعمران الدیار و یزیدان فی الاعمار»: «نیکوکاری و حسن اخلاق، خانه‌ها [و شهرها] را آباد و عمرها را زیاد می‌کند!» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۸: ۳۹۵).

شک نیست که عمران و آبادی در سایه اتحاد، صمیمیت و همکاری میان قشرهای جامعه به وجود می‌آید، و آنچه باعث تحکیم این امور شود، از عوامل مهم عمران و آبادی خواهد بود. طول عمر نیز مولود آرامش فکر، آسودگی خیال و جلوگیری از فقر و همکاری و همبستگی اجتماعی است و این امور در سایه اخلاق به دست می‌آید.

۵. در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام(ص) آمده است: «حسن الخلق یتبث الموده»: «اخلاق خوب پیوند محبت و دوستی را محکم می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۴: ۱۴۸).

۶. در حدیثی از علی(ع) می‌خوانیم: «من ساء خلقه ضاق رزقه»: «کسی که اخلاقش بد باشد، روزی او تنگ می‌شود!» (تمیمی آمدی، ۱۴۲۹ق).

۷. از همان حضرت آمده است که فرمود: «من ساء خلقه اعوزه الصدیق و الرفیق»: «کسی که بد اخلاق باشد دوستان و رفیقان او پراکنده می‌شوند و او را رها می‌کنند» (تمیمی آمدی، ۱۴۲۹ق).



۸. امام علی (ع) همچنین می‌فرماید: «سوء الخلق نکد العیش وعذاب النفس»: «اخلاق بد موجب سختی و تنگی زندگی و ناراحتی روح و وجدان می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۴۲۹ق).
 ۹. از امیر مؤمنان علی (ع) پرسیدند: «من ادوم الناس غماً؟»: «چه کسی غم و اندوهش از همه بیشتر است؟» قال علیه السلام: «اسوئهم خلقاً!» فرمود: «کسی که از همه اخلاقش بدتر است!» (میرزا حسین نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۳۳۸).

۱۰. در حدیثی می‌خوانیم که لقمان حکیم به فرزندش چنین نصیحت می‌کرد: «ایاک والضعف وسوء لخلق وقلة الصبر فلا یستقیم علی هذه الخصال صاحب»: «از بی حوصلگی، سوء خلق و کم‌صبری پرهیز که با داشتن این صفات بد، دوستی برای تو باقی نمی‌ماند!» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰: ۴۱۹).

یافته‌های پژوهش

۱. نقش بسیج و جوانان در سبک زندگی و انقلاب اسلامی

دستاوردهای انقلاب اسلامی در طول این چهل سال در حوزه «بسیج و جوانان» همه‌جانبه و دارای ابعادی وسیع است که به صورت تیتروار به شرح برخی از آنها می‌پردازیم:

- جوانان نقش‌آفرین اصلی بزرگ‌ترین تحول تاریخی جهان در قرون اخیر بودند.

- پیروزی انقلاب اسلامی با میدان‌داری تظاهرات، تجمعات و تحریکات انقلابی جوانان

حاصل شد.

- جوانان ارزشمند مسجدی با تشکیل کمیته‌های انقلاب اسلامی در همه مساجد شهرها

و روستاهای سراسر کشور از آغازین روز پیروزی خلأ وجود دستگاه‌های امنیتی- انتظامی را

پیر و امنیت کشور را در دوران بحرانی پس از انقلاب تضمین کردند.

- هجرت عظیم جوانان انقلابی و ولایت‌مدار به مناطق بحرانی مرزی و جهاد فداکارانه آنها

غانله‌های تجزیه‌طلبان آمریکایی و انگلیسی را در کردستان، خوزستان، بلوچستان، آذربایجان

و ترکمن صحرا شکست داد و تمامیت ایران را حفظ کرد.

- شروع انقلاب فرهنگی با پاکسازی دانشگاه‌ها از اتاق جنگ گروه‌های وابسته به شرق و

غرب توسط جوانان محقق شد.

- میدان دفاع مقدس را جوانان انقلابی اداره کردند. متوسط کل سن فرماندهانی که ژنرال‌های

بعثی با ۳۰ سال سابقه نظامی را با انبوه نیروهایشان به اسارت می‌گرفتند، کمتر از ۲۴ سال بود.

- تحولات گسترده و معجزه‌آسای وضعیت زندگی مردم روستاهای کشور در دهه اول انقلاب، مرهون ایثار و فداکاری‌های جوانان ایثارگری است که جهاد سازندگی را بنیان نهادند.
- جهش خیره‌کننده علمی ایران زیر سخت‌ترین تحریم‌های علمی و فنی به دست دانشمندان جوان مانند شهید کاظمی آشتیانی، احمدی‌روشن، طهرانی مقدم و ... شکل گرفت.

- جوانان نسل سوم انقلاب در لشکر مدافعان حرم، طومار جریان تکفیری مولود نامشروع مثلث شوم غربی-عبری-عربی را درهم پیچیدند و فتوحات بزرگ اسلام در غرب آسیا را رقم زدند.

- گفت‌وگوهای مکرر و مفصل مستقیم و بی‌رودربایستی جوانان با رهبری انقلاب بیانگر جایگاه رفیع جوان در اندیشه و عمل رهبری از سویی و ارتقای سطح فهم و درک نسل جوان کشور در تراز مباحثه با رهبر از سوی دیگر است.

- بسیج معجزه امام و دستاورد بی‌نظیر انقلاب اسلامی است.

- بیشترین تهاجم دشمنان بشریت بعد از ولایت متوجه بسیج است و این واقعیت دلیل روشنی بر کارآمدی و تأثیرات سرنوشت‌ساز بسیج در تداوم ۴۰ ساله انقلاب اسلامی است.

- بسیج مجموعه‌ای منحصر به فرد و بزرگ‌ترین تشکل مردمی در جهان است.

- هوشمندی ولایت در طراحی همه‌جانبه بسیج امکان بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های مردمی را برای نیل به آرمان‌ها و اهداف متعالی فراهم می‌سازد و راه مانور دشمنان را از همه جهات مسدود می‌کند، به طوری که از هر راهی برای نابودی انقلاب مردم وارد می‌شوند، بسیج را مقابل خود می‌یابند.

- بسیج محل تجمع همه اقوام و طوایف، تلاقی همبستگی همه نحله‌ها و مذاهب، ائتلاف همه قشرها و اصناف، رابطه نخبگان و عوام، همکاری همه سطوح و لایه‌های اجتماعی و در حقیقت ستون خیمه وحدت ملی و برادری اسلامی بوده و هست.

- نتیجه نقش‌آفرینی امنیتی بسیج مساجد و محلات این است که گزاره مشترک بیشتر گردشگران خارجی هنگام ترک ایران اظهار تعجب از شدت امنیت شبانه، محلات، خیابان‌ها و اماکن تفریحی ایران است.

- حضور مردمی و پیشگیرانه بسیج در همه زوایای حیات اجتماعی اغلب اقدامات تروریستی، خرابکارانه و کودتاهای دشمنان را کور کرده است.



- در طول ۴۰ سال انقلاب اسلامی، اطلاعات بسیج مستحکم‌ترین پل ارتباطی مردم با دولت و بزرگ‌ترین شبکه کسب اطلاع از جامعه و انعکاس صادقانه و بدون سانسور نارسایی‌ها، ضعف‌ها و گلیه‌های مردم به مسئولان کشور بوده است.

- حضور و خدمت‌رسانی بسیج به مناطقی که مورد غفلت دستگاه‌ها واقع شده از عوامل اصلی پیشگیری بدبینی و جدا شدن مردم محروم از حکومت بوده است.

- حضور خیل عظیم بسیجیان در فضای مجازی و انتشار گسترده پیام‌های روشنگرانه و مبتنی بر حقیقت از تبدیل این فضا به مسیر یک‌طرفه برای ترویج فرهنگ ابتدال و ارتجاع و ذلت‌جلوگیری کرده است.

- کانون‌ها و دارالقرآن‌های بسیج از مهم‌ترین مراکز فرهنگ قرآن و عترت و انس جوانان و نوجوانان شهرها با پیام الهی است.

- جشنواره‌های بسیج و مقاومت در همه رشته‌های هنری سینما و تئاتر و هنرهای تجسمی، شعر و ادبیات و راه‌اندازی جشنواره‌های بزرگ خودجوش مردمی بسیجیان همچون جشنواره عمار در مقابل هنر سرسپرده به قدرت و مقلد محض جشنواره‌های استعماری غرب قد برافراشته و نویدبخش تداوم حیات هنر انسان‌ساز انقلاب است.

- حضور پرنشاط میلیونی دانش‌آموزان در بسیج دانش‌آموزی و حضور در مساجد و اداره برنامه‌های فرهنگی، هنری و جهادی با مدیریت نوجوانان نویدبخش آینده‌ای سرشار از موفقیت و پیشرفت برای کشور است.

- حضور و همیاری بسیجیان در حل و رفع مسائل و آسیب‌های اجتماعی محلات با استفاده از ظرفیت پایگاه‌های بسیج علاوه بر کمک به افزایش عدالت اجتماعی امیدها و نقشه‌های دشمن برای بهره‌گیری از آسیب‌های حاشیه‌نشینان شهرها را بر باد داد.

- شور و اشتیاق امروز جوانان برای حضور در مناطق محروم و مقابله با جنگ اقتصادی کمتر از اشتیاق جوانان دوران دفاع مقدس برای حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل نیست.

- اردوهای جهادی بسیج از دستاوردهای مهم جمهوری اسلامی در عمق‌بخشی معنوی جوانان جهادگر و زمینه‌ساز خودسازی آنان است.

- سیل مهربانی جوانان و نوجوانان از اقصی نقاط میهن اسلامی برای کمک به سیل‌زدگان و زلزله‌زدگان چندین استان کشور در سال‌های ۹۷ و ۹۸، نقطه قوت آشکاری بود که همه دستگاه‌ها را تحت تأثیر خود قرار داد.



- حضور حماسی و پیشتازانه جوانان در مراسم پرفیض و برکت پیاده‌روی اربعین سرور سالار شهیدان در سال‌های اخیر، بی‌شک زمینه‌ساز طلوع خورشید ولایت عظمی حضرت ولی عصر (عج) و تجلی‌گاه و میعادگاه عاشقان و شیعیان حضرات معصومین (ع) است.

- شناسایی بیش از ۴۳۰ قطب صنایع تبدیلی و تلاش برای فعال‌سازی و توانمندسازی آنان در تراز ملی با بهره‌گیری از توان جوانان کشور گام بلندی در مقابله با جنگ اقتصادی و ترویج اقتصاد مقاومتی است.

- حماسه‌های بسیجیان محدود به میدان‌های رزم و جهاد فرهنگی نیست. برجسته‌ترین دستاوردهای علمی کشور محصول جهاد علمی بسیجیان است. شهیدان شهرپاری، طهرانی مقدم، علی محمدی، احمدی‌روشن و رضایی‌نژاد نمادهای این حقیقت هستند.

- سازمان یافتن قشرهای دانشور مانند طلاب و فضلا، استادان، پزشکان، مهندسان، حقوق‌دانان، دانشجویان و دانش‌آموزان فضای ارزشمند خودباوری و ایجاد نشاط را در مراکز علمی فراهم کرده است.

- نوجوانان بسیجی چون محمدحسین فهمیده و بهنام محمدی با پایه‌گذاری مکتب جهاد شهادت‌طلبانه، الگوی جهاد موفق با دست‌های خالی شدند و زمینه اخراج متجاوزان آمریکایی و اسرائیلی را از لبنان و غزه فراهم کردند.

- دختران و زنان بسیجی با ارائه عملی الگوی رعایت حجاب و عفاف توأم با فعال‌ترین کنشگری اجتماعی مسیر فعالیت صحیح و اثربخش اجتماعی زنان جهان اسلام را گشودند.

- شیوه‌های بسیجی نه تنها در ابعاد رزمی و جهادی، بلکه در همه شئون فرهنگی و اجتماعی از رسیدگی به خانواده شهدا تا برگزاری یادواره‌ها و شب‌های خاطره و حتی راهیان نور الگوی جوانان انقلابی در سراسر منطقه شده است.

- اجرای طرح مادران آسمانی و شرفیابی به محضر مادران معظم شهیدان در سالروز میلاد حضرت زهرا (سلام الله علیها) در کشورهای منطقه نمونه‌ای از الهام‌بخشی بین‌المللی حرکت‌های فرهنگی بسیجیان است.

- در حوادث و وقایع سیاسی مهم بین‌المللی، موضع‌گیری‌ها و کنش‌های به موقع میدانی بسیجیان موجب بیداری منطقه و جهان و برهم خوردن بسیاری از توطئه‌ها علیه مسلمانان شده است.



۲. بسیج و شاخصه‌های سبک زندگی غربی و سبک زندگی اسلامی

در این بخش، نقاط تنازع و تطابق سبک زندگی غربی با سبک زندگی اسلامی- ایرانی با رویکرد بسیج در سبک زندگی مورد توجه و تبیین قرار می‌گیرد و در حوزه‌های گوناگون به آن

پردخته می‌شود.

مؤلفه‌های سبک زندگی	سبک زندگی مدرن، غربی و اروپایی	سبک زندگی اسلامی- ایرانی	نقش بسیج در سبک زندگی ایرانی- اسلامی
نهاد خانواده و نظام آن	<ul style="list-style-type: none"> - ولایت پدر بر خانواده نفی می‌شود. - خانواده از خانواده بزرگ به خانواده هسته‌ای کوچک تبدیل می‌شود. نقش‌ها در خانواده دست‌خوش تحول و تغییر است. - مفهوم خیشاوندی (عمو، دایی، خاله ...) از بین می‌رود. فراموشی مفاهیمی چون عشق و محبت متقابل و جایگزینی رسانه و تلویزیون به جای مکالمه اعضای خانواده 	<ul style="list-style-type: none"> - پدر و مادر مرکز ثقل خانواده هستند. - خانواده بزرگ و نظام اجتماعی حاکم بر خانواده در این زیستن بسیار مهم است. - نقش‌ها، مشخص و وظایف و هنجارهای اجتماعی متعدد بر آنها مستقر می‌شود. - غلبه محبت، عشق و فداکاری بر روابط اعضای خانواده - نگاه عاشقانه زن و شوهر به ادای حقوق متقابل یکدیگر 	<ul style="list-style-type: none"> - ترویج و ظهور همیشگی فرهنگ ایثار، شهادت‌طلبی، محبت و فداکاری در همه عرصه‌ها به ویژه نهاد خانواده و رابطه عمیق بین زوجین همانند شهدای جنگ تحمیلی و شهدای مدافع حرم. - ادای وظیفه و ایفای حقوق فراتر از تعهدات و حصول رضایت از والدین. - ولایت‌پذیری و تبعیت از والدین غیر از موارد نامشروع و غیرمجاز
هنر و ادبیات	<ul style="list-style-type: none"> - بازگشت به هنر و ادبیات اسطوره‌ای پیش از عصر دینی - اصالت یافتن گرایش‌های فرمالیستی و هنر برای هنر و نفی ادب و هنر متعدد - اصالت قالب‌شکنی و آتارشیسم و ساختارشکنی - بسط نفسانیت و سوپرتکتویسم در قالب‌هایی همچون پرسپکتیو و گسترش فردیت - بریدن بند ناف هنر از سنت‌ها و اصالت‌ها - غلبه احساسات‌زدگی و نیهیلیزم هنری - ترویج کوبیزم و نگاه انتزاعی به همه چیز و نظم‌ستیزی و تقدیس هرج و مرج - گرایش به جبر جنسی، جبر طبقه و جبر محیط - پورنوگرافی و سوءاستفاده از غرایز انسانی 	<ul style="list-style-type: none"> - پای‌بندی به ادبیات محکم عصر دینی و تقید به مفاهیم اسلامی - اصالت یافتن ادبیات متعدد و تقبیح هنر برای هنر - پای‌بندی به قالب‌ها و سبک‌های سنتی و اخلاقی مدار و رعایت حریم‌های شرعی - اصالت حقیقت به جای اصالت نگرش هنرمند - نفی فردیت و اندوویزوالیسم و ترویج روح جمعی و اجتماعی - جهت‌دهی به غرایز انسانی در مسیر عبودیت الهی - سرور و نشاط پاک و ابتهاج درونی ناشی از فرآورده‌های هنری به جای کام‌جویی افراطی 	<ul style="list-style-type: none"> - سازماندهی و کمک به اصناف و هنرمندان در قالب سازمان بسیج مستضعفین - ارائه طرح و الگوی هنر اسلامی و مشروع و ترویج فرهنگ اسلامی - برگزاری نشست‌های ادبی و کرسی‌های آزاداندیشی و بیان عقاید - نمایش فیلم‌ها، نمایش‌ها، کلیپ‌ها و رسانه‌های خودجوش و ترکیبی ملی در شفاف‌سازی، بصیرت‌افزایی و توجیه و تعلیم افکار عمومی مسائل روز جامعه - ساماندهی آثار علمی و هنری موجود و ارتباط مؤثر بخش‌های جامعه - نمایش و عرضه محصولات فرهنگی و هنری بسیجیان، هنرمندان و آثار مطلوب جامعه اسلامی در مراکز مجاز
معماری	<ul style="list-style-type: none"> - غفلت‌زا، مصرف‌محور و تابع نیازهای دنیای مدرن و شهر مدرن - تفاوت آشکار طبقاتی در شمال و جنوب شهر و ابراز آن - عدم رعایت حریم خصوصی و فردی 	<ul style="list-style-type: none"> - انسان‌محور و تربیت‌محور بودن یک شهر - غایت طراحی‌ها توحید و خدامحوری است. - جوشش انواع هنرها در جهت تعالی انسان از طریق هنر - رعایت هارمونی انسانی در طراحی‌ها - برخورداری از ویژگی‌های متعدد معماری دینی سنتی همچون پیوند مسجد و اجتماع - حفظ حریم‌های شخصی و خانوادگی ... 	<ul style="list-style-type: none"> - ترویج معماری اسلامی و ارائه سبک‌های نوین و سنتی اسلامی- ایرانی - رفع محدودیت‌ها و محرومیت‌زدایی در قالب طرح‌های جهادی - کمک و همیاری در طرح‌ها و مشاوره‌های علمی معماری مساجد و شهرسازی - بسیج هنرمندان و معماران برتر

<p>- عمل به آموزه‌های دینی و عرف صحیح ایرانی با حضور حداکثری</p> <p>- تعلیم و تبیین لایه‌های عمیق دین بر اساس آیات و روایات اسلامی</p> <p>- ارائه برنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها بر اساس منشور اسلامی و ایرانی</p> <p>- حفظ و ترویج ارزش‌های دفاع مقدس و مسائل عمومی مانند عفاف و حجاب</p> <p>- شرکت و تعظیم شاعران اسلام</p> <p>- تعمیق معنویت و ولایت‌پذیری</p>	<p>- مطلق بودن و فطری بودن ارزش‌های اخلاقی متعالی</p> <p>- قدسی بودن انسان‌های الگو و رجوع به ایشان</p> <p>- حضور و نقش‌آفرینی دین در لایه مرکزی نظام ارزشی</p> <p>- نگاه حداکثری به دین</p> <p>- نگاه واقعی و غیر تشریفاتی به آموزه‌های دینی</p> <p>- اعتقاد به تقدس مفاهیم و شخصیت‌های دینی</p>	<p>- شکاکیت فلسفی، پلورالیسم معرفتی، حقیقت‌سنجی</p> <p>- نسبی شدن اخلاق و نظام ارزشی</p> <p>- تغییر انسان‌های الگو و گروه‌های مرجع اجتماعی</p> <p>- پیوند نظام ارزشی با قهرمان‌های نوظهور و از رسانه برخاسته همچون بازیگران و خوانندگان و ورزشکاران</p> <p>- خروج دین از لایه مرکزی نظام ارزشی</p> <p>- نگاه حداقلی به دین</p> <p>- نگاه انتزاعی و ویتربینی و فانتزی و دکوری به متون دینی</p>	<p>ارزش‌ها و نظام ارزشی</p>
<p>- احراز هویت دینی و ایرانی در مجموعه‌های مشکل‌ساز بسیج مردمی</p> <p>- از بین بردن روحیه اشرافی‌گری و نپه رفاه‌طلبی</p> <p>- ترویج و عمل به وظایف با روحیه جهادی و خالصانه</p> <p>- ارتباط گرفتن صحیح در رابطه با اجتماع، خانواده، مسجد و سایر مراکز و نهادهای انقلابی با محوریت بسیج</p> <p>- پرهیز از قومی‌گرایی و باندبازی و تعصبات ناچا در برخورد و تعاملات اجتماعی و رویدادهای ملی و اداری</p>	<p>- هویت تاریخی در این‌گونه جوامع مهم و پیوند و پیوست با آن بسیار ضروری است.</p> <p>- ارتباط با خدا اصلی‌ترین رکن هویتی فرد است.</p> <p>- بحران هویت، معضل و مشکلی در عالم سنت و آدم متعلق به سنت به شمار نمی‌آید.</p> <p>- هویت خانوادگی و قومی و جمعی از هویت‌های مهم در انسان سنتی است.</p> <p>- در بسیاری از جوامع سنتی به ویژه جوامع دینی، نگرش هویت جمعی به امت دینی و امامت دینی بسیار رایج است.</p>	<p>- تفکر مدرن به ویژه هنگام ورود به جوامع سنتی، انقطاع از هویت تاریخی را دامن می‌زند.</p> <p>- انسان مدرن به دلایل گوناگون دچار بحران هویت و خودشناسی است.</p> <p>- بسیاری از هویت‌های جمعی خانوادگی جز در برخی لایه‌های اشرافی‌مدن از بین می‌رود.</p> <p>- ناسیونالیسم و ملی‌گرایی می‌کوشد جای هویت‌های دینی همچون هویت امت و هویت جمعی ملی‌گرایانه را بگیرد.</p> <p>- در چهار عرصه ارتباط با خدا، خود، جامعه و خانواده، فرد نسبت خود را نمی‌یابد.</p>	<p>هویت</p>
<p>- تقویت ارتباط بسیجیان، دانشجویان و دانش‌آموزان با استادان نخبه و متعهد بسیجی و سایر مراکز علمی و پرورشی</p> <p>- انجام برنامه‌های فرهنگی و اسلامی در ترویج تعالیم دینی و تربیت نسل نو</p> <p>- برقراری وحدت بین حوزه و دانشگاه و استفاده از همه ظرفیت‌های موجود علما و طلاب علوم دینی در امر تعلیم و تربیت</p>	<p>- تشکیل مثلث هماهنگ معلم، متعلم و علم بر مبنای آموزه‌های دینی</p> <p>- تقدم پرورش بر آموزش</p> <p>- علم اعم از دانسته‌ها و باورهاست.</p> <p>- به کارگیری خانواده به عنوان بازوی نظام آموزش و پرورش</p> <p>- روابط اخلاقی حاکم بر استاد و دانشجو</p>	<p>- تغییر ساختار آموزش و پرورش و به تبع آن تغییر بسیاری از مفاد و فرایندهای پیشین نظام پرورشی</p> <p>- مدرک‌گرایی، مدرک‌زدگی و اصالت رتبه‌های متعارف آکادمیک</p> <p>- تفکیک پرورش و تزکیه و تهذیب از آموزش و تعلیم</p> <p>- طرد نگاه عبادت‌گونه به تعلیم</p> <p>- غلبه سودانگاری در انگیزه‌های متعلم</p>	<p>نظام تعلیم و تربیت</p>
<p>- تطبیق علوم دینی و آموزه‌های وحیانی اسلام با علوم تجربی و نظری</p> <p>- تمرکز بر طرح‌ها و پروژه‌های نوین و ابتکاری با تأکید بر توان بسیج</p> <p>- استفاده به‌روز از فناوری‌ها و ابزارهای پیشرفته و علوم حاصل برای ارائه خدمت و فعالیت‌های محرومیت‌زدایی</p>	<p>- پیوند ساحات علوم با یکدیگر و نگاه وحدت‌گرا و وحدت‌نگر</p> <p>- عدم نگرش تکنیکی و تسخیرمآب به عالم</p> <p>- اصالت داشتن خرد بشر و معنا یافتن تجربه در بستر خرد</p> <p>- نسبت تکاملی با دین برقرار کردن</p> <p>- درجه‌بندی علوم بر مبنای نگرش وحیانی</p>	<p>- نگرش تجربی به علوم انسانی</p> <p>- جدایی ساحات علوم از یکدیگر</p> <p>- نگرش تکنیکی محض به عالم</p> <p>- اصالت یافتن تجربه و حواس بشری (امپریسم و پوزیتیویسم)</p> <p>- نسبت معکوس با دین برقرار کردن</p> <p>- وحی‌سنجی و متن‌سنجی علوم و غلبه هرمنوتیک</p>	<p>ساختار علم</p>



<p>ساختار اجتماعی</p>	<p>- تغییر ساختار اجتماعی با محوریت اقتصاد به بورژوا (سرمایه‌دار)، طبقه متوسط و طبقه پایین و کارگر - تغییر هویت‌های جمعی از جمله خانواده، محله، قومیت - تقلیل نقش برخی از کنشگران - فعال اجتماعی همچون روحانیون - تغییر گروه‌های مرجع سیاسی و فکری</p>	<p>- نگرش متفاوت در نظام طبقات اجتماعی و اهمیت داشتن ساختارهای اجتماعی دیگر - اهمیت داشتن هویت‌های جمعی همچون خانواده بزرگ، محله، قومیت - تکیه بر نقش اجتماعی روحانیت در ساختار اجتماعی - تنبلی ریشه در ساختار دیکتاتوری و پادشاهی سابق در ملل سنتی دارد.</p>	<p>- بهره‌مندی از همه قشرها و اصناف و گروه‌های مختلف جامعه در پیشبرد اهداف بسیج - پیاده‌سازی و حمایت از الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و نظام نوین اسلامی - محوریت مساجد در ساختار مکانی و طلاب و علمای دینی در تربیت اسلامی - حمایت از سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری و عمل به منویات - پیشرو بودن در همه مأموریت‌های کشور و حفظ اصل اتحاد و جذب حداکثری</p>
<p>نظام اقتصادی</p>	<p>- اصالت سودانگاری و تلاش بی‌وقفه برای زراندوزی هم در ساختار کلان و هم در ساختار خرد اقتصاد - محوریت اجتماعی طبقه سرمایه‌دار - انقطاع ارتباط و پیوند با ساختارهای اجتماعی دینی - عدم محوریت اخلاق و شرع و نسبی‌گرایی برآمده از سودانگاری - معاملات ربوی و اصالت ربا و نزول خواری - نسبت با رسانه و اصالت ویتربین و محوریت فرهنگ و قهرمان‌های دوره مدرن - اهمیت نداشتن نظام اقتصادی سنتی دینی همچون خمس و زکات و وقف - نبود روحیه ایثار و انفاق - تأثیرات ویتربین‌گردی و پاساژگردی بر فرهنگ - نبود توکل در فرایند ارتزاق - غلبه کاپیتالیسم و سرمایه‌سالاری</p>	<p>- اصالت اخلاق و شریعت و فقه و مکاسب در برابر اصالت سودانگاری - حضور روح دینی و نگاه الهی به رزق و اصول شریعت در فرایند کسب سرمایه - ارتباط وثیق و مشخص و تشکیلاتی با ساختارهای دینی - قبح ربا و معاملات ربوی و نگرشی قدسی و عرفانی به حرمت ربا - عدم اهمیت ویتربین‌رسانه‌ای و انسان‌های الگوی مدرن ... - اهمیت شگرف نظامات اقتصادی دینی همچون خمس، زکات، وقف، انفال و انفاق - محوریت معبد و مسجد در بازار - نگاه جهادی به رشد اقتصادی</p>	<p>- اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و طرح‌های محرومیت‌زدایی و اشتغال‌زایی با توجه به تأکیدهای مقام معظم رهبری - جمع‌آوری حمایت‌های مردمی و کمک به هم‌نوع در موارد بحرانی اضطراری - ایجاد صندوق‌های قرض‌الحسنه و شرکت در تعاونی‌های مجاز مردمی بسیج - نگاه صحیح اسلامی به کسب و کار و رعایت موارد شرعی در تجارت - ایجاد سازگار بانک‌داری اسلامی و مؤسسه‌های قرض‌الحسنه مجاز و حمایت از قشرهای محروم و مورد نیاز - پرهیز از معاملات ربوی و منفعت‌طلبی گروهی و فردی - حفظ بیت‌المال و روحیه مخلص‌بسیجی در استفاده و به‌کارگیری اموال عمومی</p>
<p>الگوی مصرف</p>	<p>- تولید نیازهای کاذب برای بشر - اصالت مصرف‌گرایی بی‌حد و حصر - تأثیر رسانه بر ساختن الگوی مصرف براساس ارزش‌های کاملاً غربی - بی‌توجهی به طبیعت - مارک‌زدگی و برندگرایی</p>	<p>- قناعت و رضایت به تقدیر الهی در کنار تلاش - پرهیز از اسراف و تبذیر - عدم حضور رسانه و ارزش‌های رسانه‌ای الگوی مصرف و تکیه بر ارزش‌های تاریخی و بنیادین - ترویج روحیه ایثار اقتصادی و انفاق</p>	<p>- ترویج فرهنگ صحیح مصرف و جلوگیری از ریخت و پاش‌های نابجا - ارائه الگوی عملی و مصداقی در مصرف‌گرایی و تأکید بر آثار قطعی انفاق و بخشش بر اساس توصیه‌های اسلامی - جلوگیری از نفوذ کالا و تبلیغات کاذب بیگانه برای کسب نامشروع اموال و اطلاعات مردمی</p>
<p>اوقات فراغت</p>	<p>- معنادار شدن اوقات فراغت به سبب آنکه تعطیلات در مفهوم مدرن از خواص زیستن مدرن و انسان کارگر و انسان بورژواست. - محوریت غفلت در اوقات فراغت و تمایل به محرمات شرعی و مصرف‌زدگی افراطی در اوقات فراغت - سفر صرفاً برای تفریح و رهایی موقتی و تخریبی از آلودگی‌های شهر</p>	<p>- محوریت ذکر و فکر و معنویت‌افزایی در زمان فراغت و افزایش عبادات مستحب و مراسم عبادی در روز و شب جمعه - عدم مصرف‌گرایی افراطی و عدم اسراف در همه ساحات زندگی - سفر برای عبرت‌اندوزی و البته تفریح جسم و روح</p>	<p>- اجرای برنامه‌های اردویی و فرهنگی در سطح دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی با حضور در عرصه‌های مختلف تاریخی، زیارتی و سیاحتی در کشور - محوریت هدفمندی و افزایش بازدهی در شرکت در مراسم مذهبی و عبادی - فعال کردن افراد و نوجوانان برای حضور بیشتر و مسئولانه در برنامه‌های بسیج - برنامه‌ریزی و زمان‌بندی سالانه</p>

<p>- اجرای دستوره‌های دینی و لحاظ شدن آن ذیل و محتوای همه برنامه‌های ابلاغی سازمان بسیج مستضعفین</p> <p>- حفظ تعادل در انجام مناسک و مستحبات و توصیه و تعلیم جوانان</p> <p>- افزایش بصیرت و آگاهی سطوح جامعه در برخورد با جریان‌های سیاسی روز</p> <p>- تبیین ماهیت جمهوریت و اسلام در مسائل مبتلای جامعه مانند انتخابات</p> <p>- محوریت روحانیت و مرجعیت در بروز و ظهور فعالیت‌های اجتماعی</p>	<p>- امر فردی و جمعی به صورت توأمان و نفی سکولاریسم هم در نگرش درون‌دینی و هم در نگرش برون‌دینی برآمده از حوزه خرد و وحی</p> <p>- عدم پذیرش پلورالیسم معرفتی و ترویج حقیقت‌گرایی</p> <p>- عدم نگرش پراگمات به دین و پذیرش دین حتی در صورت تضاد با منافع فردی</p> <p>- تعادل در ظاهر و باطن</p> <p>- پذیرش دین به عنوان برنامه رسمی زندگی</p> <p>- تعادل در آخرت‌گرایی و آباد کردن دنیا</p>	<p>- تلقی امر فردی و سلیقه‌ای از دین و پذیرش سکولاریسم</p> <p>- اصالت معرفتی تجربه دینی</p> <p>- پذیرش پلورالیسم معرفتی دینی</p> <p>- نگرش پراگمات به کارکردهای دین و پذیرش منفعت‌طلبانه آن</p> <p>- نگاه مناقضانه، ایزاری، ریاکارانه و بروکرات به دین</p> <p>- غلبه ظواهر بر معارف دینی</p>	<p>مدل‌های دین‌داری و دین‌ورزی</p>
<p>- اهمیت به منافع ملی و جمعی از جمله نهادهای انقلابی و خانواده در برنامه‌ها</p> <p>- فراخوان همگانی و جذب حداکثری برای پیشبرد مقاصد و اتحاد اسلامی</p> <p>- حفظ و تکریم ارزش‌های والای اسلامی</p>	<p>- اهمیت به صلح رحم</p> <p>- رعایت حقوق بدن، خانواده، جامعه، همسایگان و ...</p> <p>- رعایت حق الناس در کنار حق الله</p>	<p>- فراموشی صلح رحم</p> <p>- غلبه نظم تکنولوژیک و اجباری بر نظم‌پذیری وجدانی و درونی</p> <p>- بی‌معنایی مفهوم همسایگی</p>	<p>فرهنگ عمومی</p>

۳. نهادینه کردن سبک زندگی اسلامی- ایرانی

یکی از مباحث بسیار مهمی که رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر به عنوان یک موضوع راهبردی مطرح کردند «سبک زندگی اسلامی- ایرانی» است که مفهومی بسیار جامع است و حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... را دربرمی‌گیرد. این بحث از سال‌ها قبل با عناوین مختلف، و جنبه هشدار آوری آن با عنوان تهاجم و شیخون فرهنگی به صورت جدی مطرح شد؛ اما این بار با جامعیت موضوع، نه تنها جنبه سلبی در آن مستتر است، بلکه با تأکید بر جنبه ایجابی آن، یک سبک مناسب زندگی که هماهنگ و متکی بر پیشینه اعتقادات، ارزش‌ها، باورها، آداب و رسوم حسنه بومی است، ارائه شده است.

سبک زندگی ایرانیان از حدود صد سال قبل، به خصوص در دوره سلطنت پهلوی، با هدف خودباختگی در برابر فرهنگ غربی و شروع روند دگرگونی و اضمحلال فرهنگ و تمدن بومی به معنای عام آن، دچار تغییراتی عمیق شد و حتی در دوره‌هایی شعار محافل رسمی این بود که برای پیشرفت و ترقی و رسیدن به دروازه‌های تمدن بزرگ باید از سر تا نوک پا غربی شد و غرب‌زدگی سکه رایج مملکت بود.



پیروزی انقلاب اسلامی در ایران توانست این توطئه را که سناریوی آن بیرون از مرزها نوشته شده بود و عوامل داخلی در حکومت طاغوت آن را اجرا می‌کردند و به آن دامن می‌زدند، خنثی کند. با این حال سبک زندگی فعلی مردم صد در صد مبتنی بر الگوی اسلامی- ایرانی نیست.

این موضوع نشان می‌دهد که هم مردم و هم مدیران سطوح ملی به هر دلیل، غفلت‌هایی مرتکب شده‌اند. هشدار و تذکرات رهبری نظام نیز به دلیل همین غفلت و خطر ناشی از آن و غفلت‌زدایی از جامعه و مدیران است. مسلم است مردم و مدیران جامعه افرادی دین‌دار و پای‌بند معارف و رفتار دینی هستند. هر چند مواردی از ورود نگرش‌ها و رفتارهای غربی در زندگی آنان مشاهده می‌شود، اما باید با تأسی به هشدارهای انتقادی رهبر فرزانه که ناخدای کشتی انقلاب است، زمینه اصلاح سبک زندگی موجود و ارتقای آن بر مبنای الگوی اسلامی- ایرانی را به عنوان یکی از مجموعه‌های تمدن نوین اسلامی فراهم کنیم. در عصر حاضر، غرب به صورت جدی در اندیشه تسلط فرهنگ و تمدن خود بر دنیا، به خصوص بر جوامع اسلامی، با توجه به جنبش بیداری اسلامی در این ممالک است؛ به ویژه که گرایش مردم مغرب‌زمین به اسلام و پذیرش آن در سال‌های اخیر رشد روزافزونی دارد و سرعت گرایش به اسلام بیش از دین رسمی آن ممالک است.

توجه به بیانات رهبر عزیز مبین این واقعیت است که انتظار ندارند با این موضوع شعاری برخورد شود. متأسفانه این نقصیه در قبال برخی موضوعات راهبردی که ایشان مطرح کردند، اتفاق افتاد و پس از برگزاری چند همایش، کنفرانس و فراخوان مقاله، اصل موضوع به فراموشی سپرده شد. دیگر اینکه منظور رهبری از الگوی زندگی اسلامی- ایرانی، جامعیت آن الگو در همه ابعاد و شئون زندگی و نه منحصر شدن آن در یک بعد خاص است. به همین دلیل رهبر معظم انقلاب اسلامی، مأموریت تدوین الگوی سبک زندگی اسلامی- ایرانی را به شورای عالی انقلاب فرهنگی محول فرمودند. ایشان خود نیز در چند سال اخیر با طرح عناوینی مانند «توجه به معنویات و فضایل اخلاقی»، «وجدان کاری و انضباط اجتماعی»، «پیامبر اعظم (ص)»، «امام علی (ع)»، «اصلاح الگوی مصرف»، «اتحاد ملی و انسجام اسلامی»، «نوآوری و شکوفایی»، «جهاد اقتصادی» و... به عنوان شعار سال، برخی شاخصه‌های الگوی مناسب زندگی با محوریت فرهنگ اسلامی را تبیین فرمودند.



همچنین در سخنرانی‌های عمومی به مسائلی نظیر ازدواج، خانواده، معماری، شهرسازی و مسکن، حجاب و عفاف، تفریحات سالم، کسب و کار، ارتباطات و معاشرت‌ها، هنر و ادبیات و... پرداختند و با طرح مباحثی بر مدار الگوی اسلامی- ایرانی، بر اصلاح رفتار و رویه‌ای که در کشور جاری است، تأکید فرمودند. بدیهی است تحقق این موضوع، وظیفه یک نهاد و یک سازمان نیست. چنان که می‌دانیم، وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم و تحقیقات و فناوری، بهداشت و آموزش پزشکی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما و... به عنوان نهادهای اصلی، نقش محوری در این موضوع دارند. مخاطبان اصلی برخی نهادها مثل آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها و... نوجوانان، جوانان و مخاطبان برخی نهادها مثل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صدا و سیما هم عموم جامعه هستند. با این حال نمی‌توان از نقش اساسی خانواده‌ها در این میان چشم‌پوشی کرد. اعضای خانواده بدان علت که اولین افرادی هستند که کودک با آنها مواجه می‌شود و مدت زمان طولانی‌تری با کودک و نوجوان ارتباط دارند و همچنین تأثیرپذیری و الگوگیری فرزندان از اعضای خانواده بیشتر است، نقش مهم‌تری در تربیت فرزندان دارند. مسلم است که کودک، متأثر از همه‌انگیزه‌های خانوادگی است و رفتار او از رفتارهای اعضای خانواده و محیط خانوادگی تأثیر می‌گیرد. اعضای خانواده، به خصوص والدین، به عنوان الگوهای اصلی زندگی کودک، احساسات، علایق، ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی و ارزش‌های اعتقادی خود را به او منتقل می‌کنند. به همین دلیل امیر مؤمنان حضرت علی(ع) می‌فرماید: «قلب نوجوان، همچون زمینی خالی است. هر بذری که در آن افکنده شود، می‌پذیرد.» از این رو نگاه دین به کانون خانواده‌نگاهی تکمیلی است که در آن زن، مرد و فرزند، رشد و تعالی می‌یابند.

واقعیت این است که کودکان، نوجوانان و جوانان و به تعبیری نسل آینده، امانت‌هایی در دست اولیا و سپس در اختیار دستگاه‌های رسمی تعلیم و تربیت کشور از جمله آموزش و پرورش هستند. اگر این نسل به سعادت برسد، در ثواب آن سهیم هستند و صلاح و فساد آنان، خدمت یا خیانت به سرمایه‌های آینده کشور است، زیرا بخش اعظم اوقات مفید نوجوانان در خانه و سپس در مدرسه سپری می‌شود.

خانواده اولین کانون مؤثر در تکوین و رشد شخصیت فرزندان است؛ چنان که مدرسه نیز اولین و مهم‌ترین سازمان رسمی و مؤثر در تعلیم و تربیت نسل آینده است. به همین



دلیل برقراری هماهنگی در اهداف، محتوا و روش‌های تربیتی این دو نهاد مهم، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و عقلانی است. از این رو، یکی از راه‌های بسیار مناسب برای تحقق این امر، ارتباط بین خانه و مدرسه و به تعبیر صحیح‌تر، ارتباط بین اولیا و مربیان است.

در هر صورت، برای داشتن سبک زندگی مناسب باید به اصول و ارزش‌های اسلامی و پیشینه بومی و ملی خود توجه کرد، زیرا تقلید از سبک زندگی غربی به هویت و اصالت فرهنگ دینی و ملی ما ضربه وارد می‌کند و این تجربه استعماری در کشورمان سابقه دارد. از این رو باید قوای سه‌گانه (دولت به مفهوم عام) و مردم، در تعاملی دوسویه وارد عمل شوند و برای این موضوع مهم و آینده‌نگر که سلامت زندگی جامعه را در پی دارد، چاره‌اندیشی کنند و درصدد تحکیم و ترویج هویت اسلامی- ایرانی در سبک و الگوی زندگی باشند هرچند وظیفه دولت اسلامی به عنوان حاکمیت و فراهم کردن زمینه‌های لازم اعم از نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، پررنگ‌تر است.

۴. سبک زندگی خانواده برتر از منظر قرآن

اسلام، در روش تربیتی خود، انسان‌ها را به الگوها، ایده‌آل‌ها و نمونه‌های برتر توجه می‌دهد. تأثیر الگوها در ساخته شدن فرد و اجتماع بر کسی پوشیده نیست. خانواده، کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که سلول اولیه آن را زن و شوهر تشکیل می‌دهند. آرامش، انسان‌دوستی، مهربانی و ایمان به پروردگار از اهداف بلند قرآن کریم در تبیین هدف تشکیل خانواده است. اعضای خانواده می‌توانند یکدیگر را به کمال حقیقی انسان برسانند؛ به ویژه اگر خانواده بر اساس اندیشه توحیدی بنا شده باشد و بتواند قوانین کلی را برای تطبیق با نیازهای روزانه و نحوه رفتار صحیح در سبک زندگی رعایت کند.

مقاله حاضر با عنوان «سبک زندگی خانواده برتر از منظر اسلام» پس از بیان مقدمه به تبیین مفهوم خانواده و سبک زندگی پرداخته و سبک زندگی را در سه حوزه اعتقادی، اخلاقی و رفتاری بررسی کرده است و به نمونه‌هایی از خانواده برتر در قرآن کریم پرداخته و در پایان نتیجه‌گیری کلی از مباحث ارائه داده است.

۵. علم؛ وسیله قدرت یافتن کشورهای اسلامی

«باید کشورهای اسلامی از لحاظ علم و فناوری پیشرفت کنند. گفتم غرب و آمریکا به برکت علم توانستند بر کشورهای دنیا مسلط شوند؛ یکی از ابزارهاشان علم بود؛ ثروت را هم با علم به دست آوردند. البته مقداری از ثروت را هم با فریبگری و خباثت و سیاست به دست آوردند، اما علم هم مؤثر بود. باید علم پیدا کرد. روایتی است که فرمود: «العلم سلطان من وجده صال و من لم یجده صیل علیه» (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۲۰: ۳۱۹).

باید علم پیدا کنید. علم که پیدا کردید، پنجه قوی پیدا خواهید کرد. اگر علم نداشته باشید، کسانی که دارای پنجه قوی هستند، دست شما را می‌پیچانند. جوان‌ها پتان را به علم تشویق کنید؛ این کار ممکن است؛ ما در ایران این کار را کردیم. ما قبل از انقلاب در ردیف‌های آخرِ آخرِ علمی دنیا قرار داشتیم، که هیچ‌نگاهی به طرف ما جلب نمی‌شد. امروز به برکت انقلاب، به برکت اسلام، به برکت شریعت، کسانی که در دنیا ارزیابی می‌کنند، گفتند و در دنیا منتشر شد که ایران امروز از لحاظ علمی در رتبه شانزدهم دنیا است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۹/۲۱).
اگر خداوند نسبت به جهان، علم نداشت، می‌توانست آن را اداره کند؟ «... أَنْ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا»: «خداوند متعال به احاطه علمی، بر همه امور عالم آگاه است» (طلاق/۱۲).

آیا آصف بن برخیا می‌توانست بدون علم، تخت بلقیس را نزد حضرت سلیمان (ع) حاضر کند؟ «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ»: «کسی که دانشی از کتاب [لوح محفوظ] نزد او بود، گفت: من آن را [تخت بلقیس را] پیش از آنکه پلک دیده‌ات به هم بخورد، نزد تو می‌آورم. [و آن را در همان لحظه آورد]» (نمل/۴۰). عامل غلبه همه انبیا بر مستکبران، علم و دانش الهی آنان بود.

۶. اخلاق و توسعه

رابطه بین اخلاق و توسعه رابطه‌ای یک‌جانبه و استاتیک نیست. ارتباط پیچیده بین این دو مقوله بدان علت است که اخلاقیات، توسعه‌پذیرند. اخلاقیات توسعه‌پذیر می‌تواند سکوی جهش یک جامعه باشد و زمینه‌هایی چون پویایی، عقلانیت، خلاقیت، تعلیم‌پذیری، دنیوی بودن، مشارکت‌پذیری و ریسک‌پذیری را دارد.



اقتصاددانان مشهوری مانند هاگن بر اصالت اخلاقی صحنه می‌گذارند و تحولات اقتصادی را معلول تحول فرهنگی و منبعث از آن می‌دانند. وی می‌نویسد: «تحول اساسی در فرهنگ به خودی خود باعث می‌شود که اقتصاد از حالت رکود خارج شود و به رشد و توسعه رو نهد.» روستو جنبه‌های اخلاقی را که مربوط به توسعه اقتصادی می‌شود، شامل تمایل به پیش بردن علم، تمایل به کار و دانش مکتسبه در محیط مادی زندگی، تمایل به داشتن فرزند و کوشش برای پیشرفت مادی می‌داند (قره‌باغیان و اسلامی، ۱۳۷۹: ۶۴).

تعالیم اخلاقی ضمن آنکه سمت حرکت، راهبرد رشد و شدت رشد را تعیین می‌کند، ولی تحولات اقتصادی جامعه اخلاقیات جامعه را در محل نوین تحت تأثیر قرار می‌دهد (قره‌باغیان و اسلامی، ۱۳۷۹: ۶۴).

شهید مطهری می‌نویسد: «اگر قدرت را به عنوان ملاک پیشرفت بدانیم، جوامع غربی امروزه جزء «جامعه پیشرفته» هستند نسبت به گذشته. مثلاً از نظر ثروت (قدرت‌شان به گذشته) خیلی بیشتر شده است؛ ولی اگر مثلاً جنبه‌های انسانی آن را در نظر بگیریم، قدری کمیت آنها لنگ می‌شود؛ یعنی خود غربی‌ها نیز دیگر مدعی پیشرفت نیستند. مسئله‌ای که در اینجا طرح کرده است با عنوان «انحطاط غرب» که اکنون مسئله مهمی در دنیا شده است و آن را طرح می‌کنند ارتباطی با مسئله قدرت ندارد. در حالی که غرب از نظر تکنیک روز به روز پیشتر می‌رود، همواره صحبت از انحطاط غرب است، و تازه غرب نه فقط با معیار ارزش‌های اخلاقی انحطاط دارد (بلکه با برخی معیارهای دیگر نیز انحطاط دارد). بگذار انحطاط داشته باشد در شرایطی که روز به روز از نظر فنی قوی‌تر و مجهزتر می‌شوند، در حال انحطاطی است که منجر به سقوط آن خواهد شد (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۳۳).

مکاتب اخلاقی فراوانی در غرب و شرق مطرح هستند و به طور خلاصه می‌توان گفت اخلاقی می‌تواند انسان را به سعادت رهنمون سازد که از سوی آفریننده او آمده باشد، زیرا کسی که انسان را آفریده است بهتر از هر کس دیگر می‌داند راه و چاه و به عبارت دیگر سعادت و شقاوت او در چیست؟

می‌توان ادعا کرد اخلاق دینی آن هم کامل‌ترین دین که همانا اسلام است، می‌تواند توسعه همسونگر و پایدار را برای آدمی به ارمغان بیاورد و مسلم است که توسعه منهای اخلاق اسلامی نه تنها مفید نیست، بلکه ممکن است مضر نیز باشد.



۷. آموزه‌های دینی و توسعه

بر اساس آموزه‌های دینی، کسی که معاش ندارد، معاد نیز ندارد. به نظر می‌رسد ثروت، قدرت و مال دنیا (به عبارت دیگر توسعه) اگر خالی از نیت الهی باشد و ابزاری برای رسیدن به آخرت نباشد، شر و بدی خواهد بود. برعکس اگر برای رسیدن به آخرت و قرب الهی باشد، خوب و پسندیده است. بر این اساس دنیا و دنیاداری فی‌نفسه خوب یا بد نیست، بلکه آنچه مهم است نیت فرد از دنیا و مال دنیاست.

مقام معظم رهبری در ۵ شهریور ۱۳۸۰ فرمودند: «البته اعتقاد من این است که بخش‌های اقتصادی ما اگر می‌خواهند مردم متدین شوند، معاش مردم را تأمین کنند؛ چون «من لا معاشَ لَهُ لا مَعَادَ لَهُ». اگر بخش‌های اقتصادی دولت معاش مردم را تأمین کردند، مردم متدین خواهند شد» (نوری، ۱۳۸۷: ۷۵).

درباره مفهوم توسعه دو معنی می‌توانیم در نظر بگیریم: یک معنی ناظر به واقعیت خارجی توسعه و یک معنی ناظر به حالت ایده‌آل توسعه است. آن توسعه‌ای که غربی‌ها به کشورهای جهان سوم القا می‌کنند بیشتر نوعی توسعه یافتن در سطح است. اما توسعه ایده‌آلی که باید به دنبالش باشیم نوعی توسعه در عمق و به تعبیر قرآنی، رشد و تعالی یافتن است. توسعه و پیشرفتی ایده‌آل است که در آن سطح تفکر و فرهنگ افراد بیشتر از سطح بهره‌وری از ابزارشان باشد (اصغری، ۱۳۸۵: ۱۴۳).

توسعه دینی، معنوی و ارزشی می‌تواند بخشی از توسعه قرار گیرد، بلکه اساساً در توسعه ایده‌آل که مطلوب ماست محور اساسی توسعه، رشد و تعالی روحی و معنوی انسان است. توسعه‌ای که هماهنگ با نظام آفرینش و هماهنگ با نظام و ساختار وجودی انسان نباشد و در نهایت باعث افزودن روح عبودیت و بندگی انسانی نشود، توسعه حقیقی و ایده‌آل نیست (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۶).

از شاخصه‌ها و ضابطه‌های مطرح در الگوی توسعه اسلامی، افزایش قدرت تفکر مردم، از بین بردن نابرابری اجتماعی و افزودن انسجام اجتماعی و پرهیز از استبداد رأی است (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۷).

اگر حکومت اسلامی بخواهد برای رشد و تکامل انسانی برنامه‌ریزی کند، اصالتاً باید به ابعاد معنوی و روحانی وجود بشر توجه کند و در مرحله اول موانعی را که سد راه تعالی



روحانی بشر به سوی خداست از سر راه بردارد. یکی از این موانع، فقر مادی است.

«روزی پیامبر اکرم (ص) با جمعی از یاران خود نشسته بودند. جوانی نیرومند و توانا را دیدند که از ابتدای صبح، مشغول کار و تلاش بود. برخی صحابه پیامبر (ص) نگاه تأسّف آمیزی به آن جوان انداختند و گفتند: «ای کاش این شخص جوانی و نیروی خود را در راه خدا صرف می کرد!» پیامبر (ص) فرمود: «چنین نگوئید، زیرا این شخص اگر برای حفظ خود از درخواست از دیگران و به منظور بی نیازی از دیگران کار می کند، در آن صورت او در راه خداست و اگر برای تأمین مخارج پدر و مادر پیر و ضعیفش یا خانواده ناتوانش کار می کند، در آن صورت نیز در راه خداست. اما اگر برای مباحات و فخرفروشی و به هدف تکاثر و مال اندوزی کار می کند، در آن صورت در راه شیطان است» (فیض کاشانی، ۱۳۸۳ق، ج ۳: ۱۴۰).

«شخصی با حالت نگرانی به محضر امام صادق (ع) آمد و وضعیت روحی و روانی خود را برای آن حضرت به این صورت شرح داد: «من دنیا و مال دنیا را دوست دارم و مایلیم به آن دست یابم و هر چه بیشتر از دنیا بهره مند شوم.» امام (ع) هدف او را از جمع مال و کسب ثروت جوّیا شدند. آن شخص در پاسخ عرض کرد: «هدفم این است که خود و عیالم در رفاه و خوشبختی باشیم و با آن صله رحم را بجا آورم و به تهیدستان صدقه بدهم و حج و عمره به جای آورم.» امام (ع) فرمودند: «این طلب دنیا نیست، بلکه طلب آخرت است» (کلینی، ۱۴۲۱ق، ج ۵: ۷۲، ح ۱۰).

اخلاق نیکو و اسلامی داشتن یکی از عوامل مهم چگونگی رزق و روزی هر فرد به حساب می آید. همچنین خداوند تقوای الهی را یکی از عوامل گشایش و وسعت رزق می داند و می فرماید: «و اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان ها و زمین را برابر آنها می گشودیم، ولی [آنها حق را] تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمال شان مجازات کردیم.»

«در روایات متعددی اخلاق نیکو یکی از عوامل گشایش رزق و روزی و اخلاق بد یکی از عوامل تنگدستی و فقر معرفی شده است. تجربه نیز این حقیقت را نشان می دهد که آراستگی به فضایل و خوش خلقی موجب روی آوردن مردم به فرد می شود؛ به طوری که مشتریان بیشتر به خرید از فروشندگان خوش خلق تمایل دارند...» (شریفی، ۱۳۹۲: ۱۰۴).

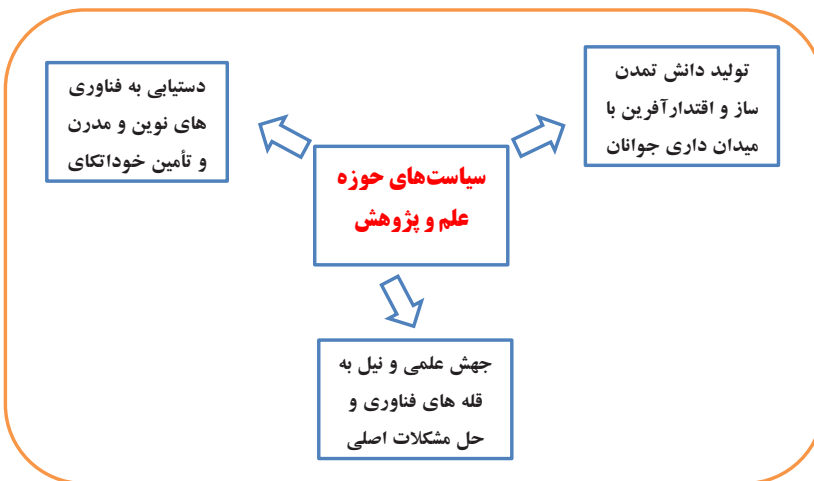


نتیجه گیری

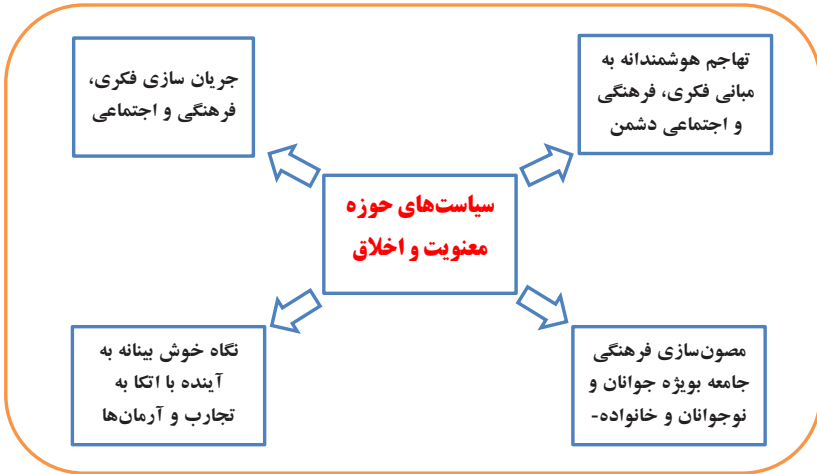
الف- اصول بسیج در تمدن سازی نوین اسلامی

- اصول اساسی بسیج در فرایند تمدن سازی نوین اسلامی با رویکرد سبک زندگی اسلامی- ایرانی به طور خلاصه به شرح زیر است:
۱. نوگرایی و آمادگی حضور در همه میدان ها؛
 ۲. کلید طلایی حل مسائل و مشکلات کشور؛
 ۳. حفظ کرامت انسانی و حقوق مردم و ارائه خدمات پیش دستانه به مردم بدون منت؛
 ۴. امت امت ساز؛
 ۵. انجام کارهای بزرگ در مدت کوتاه؛
 ۶. چتر وسیع بسیج (باز بودن درهای بسیج برای آحاد جامعه جز ضد انقلاب)؛
 ۷. تغییر رویکرد جذب از عضوگیری به عضو یابی (رفتن سراغ مردم)؛
 ۸. علم رفیع در الگوسازی؛
 ۹. شروع جذب، تعلیم و تربیت و آموزش و به کارگیری دغدغه مشترک؛
 ۱۰. هنر تبدیل تهدید به فرصت.

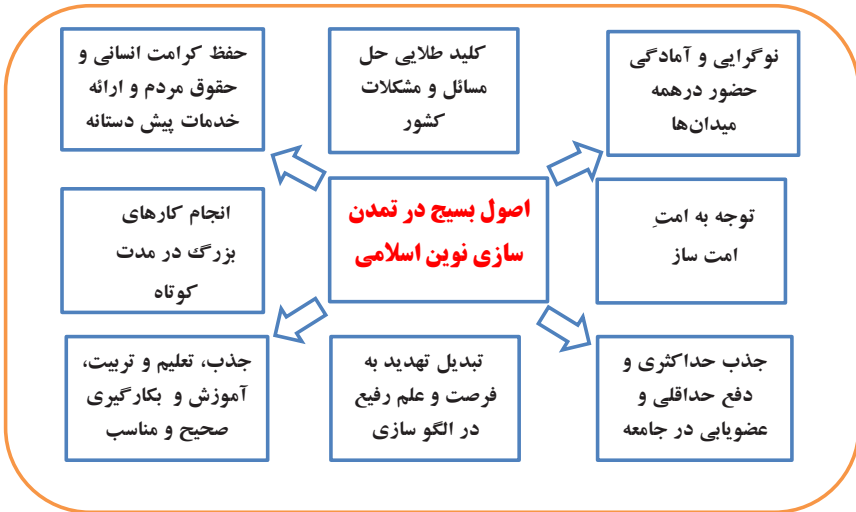
ب. سیاست های مهم علم و پژوهش



ج. سیاست‌های مهم حوزه معنویت و اخلاق



د. اصول بسیج در تمدن سازی نوین



۵. اقدامات اساسی بسیج در حوزه علم و پژوهش، معنویت و اخلاق و سبک زندگی

اسلامی- ایرانی

علم و پژوهش	معنویت و اخلاق	سبک زندگی
<p>- تشکیل جبهه علمی با تقسیم کار بین افشار دانشور بسیج برابر با نقشه راه علمی بسیج.</p> <p>- گسترش و تقویت هسته های علمی و کرسی های نظریه پردازی برای تحول در علوم تمدن ساز (علوم انسانی اسلامی و علوم پایه) در حوزه های علمیه و دانشگاه ها.</p> <p>- کمک و تسهیل گیری در ایجاد شرکت های دانش بنیان به منظور شکستن مرزهای فناوری در حوزه های «هوش مصنوعی»، «علوم شناختی»، «مواد پیشرفته»، «زیست فناوری»، «نانو» و «هوا فضا» و بهره گیری از فرصت های «نرژی»، «دریا» و «معدن» برای تقویت اشتغال و حل مسائل حوزه های «امنیت غذایی»، «آب» و «سلامت».</p> <p>- شناسایی و شکوفاسازی استعداد های مختلف علمی نوجوانان با محوریت بسیج دانش آموزی و بسیج فرهنگیان.</p> <p>ترویج و تعمیق گفتمان جهاد علمی در کشور به ویژه در بین جوانان و نخبگان.</p>	<p>- تشکیل فرارگه های استانی و شهرستانی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی با محوریت امام جمعه، دبیری سپاه و مشارکت نهادهای انقلابی و حضور نخبگان مؤثر و فعالان فرهنگی.</p> <p>- تشکیل جبهه فرهنگی مردمی با ساماندهی موسسات و مجموعه های فعال فرهنگی مردمی.</p> <p>- رفعت مسجد به عنوان کانون اصلی جوشش معنویت و اخلاق در جریان فرهنگی اجتماعی کشور به عنوان پایگاه تمدن ساز.</p> <p>- ترویج و گسترش نماز در جامعه به منظور تعمیق معنویت و پیشگیری از گناه.</p> <p>- توسعه و ارتقاء اثر بخشی یادواره شهدا، کاروان های راهیان نور و خلق آثار فاخر و جریان ساز در جهت ترویج و گسترش فرهنگ مقاومت و ارزشهای دفاع مقدس.</p> <p>- تعمیق و ترویج اخلاق و معنویت با استفاده از ظرفیت محرم و صفر، اربعین و زیارت در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی.</p>	<p>- کاهش سن ازدواج، ترویج ازدواج آسان، تحکیم خانواده، کاهش طلاق و افزایش نرخ باروری به میزان ۲/۲ درصد.</p> <p>- تبیین، ترویج و نهادینه سازی پابندی به احکام محارم در اسلام.</p> <p>- آفرینش و باز آفرینی شخصیت ها و قهرمانان (شهدا...) ملی، انقلابی و اسلامی.</p> <p>- ایجاد جریان مطالبه گری مردمی از دستگاه ها و نهاد های مؤثر برای جهاد همه جانبه و هوشمندانه در مقابله با ترویج سبک زندگی غربی و ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی.</p> <p>- مبارزه با اعتیاد با تمرکز بر پیشگیری، درمان، اشتغال و صیانت از رهاشدگان از اعتیاد و کمک به مبارزه با شبکه های قاچاق، تولید و توزیع مواد مخدر.</p> <p>- ترویج الگوهای پوشش و حجاب اسلامی برای مردان و زنان با روش هنرمندانه در تولید، توزیع و مصرف.</p> <p>- ترویج گفتمان و مطالبه گری «کرامت انسانی» و تقویت و توسعه میزهای خدمت.</p> <p>- ترویج گفتمان نهادینه کردن انضباط اجتماعی اسلامی (وجدان کاری، رعایت حقوق عامه).</p> <p>- خلق، تولید و نشر هنرمندانه واژه ها، محتواها و نرم افزارهای موضوعات مختلف سبک زندگی.</p>



علم و پژوهش	معنویت و اخلاق	سبک زندگی
	<p>- تقویت انس با قرآن با گسترش فعالیت های قرآنی در واحدهای بسیج.</p> <p>- تولید محتوی انقلابی و انتشار جذاب و هنرمندانه در فضای مجازی و ارتقا سواد فضای مجازی مردم.</p> <p>- ستیز و مقابله با کانون های ضد معنویت و غلبه منطقی و حکیمانه بر مبانی فکری جریان های انحرافی، لیبرال دموکراسی و سکولار از طریق جریان سازی فرهنگی با استفاده از همه ظرفیت ها.</p> <p>- تولید آثار فاخر و اقدامات جریان ساز فرهنگی برای نهادینه سازی مفاهیم و ارزشهای جریان ساز (اخلاص، ایثار، توکل، ایمان، راستگویی، تواضع، کمک به نیازمند، اعتماد به نفس، شجاعت و...).</p>	<p>- احیا و تاسیس سنت های انقلابی، مذهبی، ملی و تحول آفرین فرهنگی، در سطح ملی، استانی و شهرستانی.</p> <p>- طراحی و اعطای نشان افتخاری بسیج به فرهیختگان، برجستگان، جهادگران، مخترعین و مکشوفین در عرصه های مختلف انقلاب اسلامی.</p> <p>- خلق، تولید و نشر هنرمندانه آثار سمعی و بصری برای تقویت امید و باور تحقق تمدن نوین اسلامی در افکار عمومی.</p> <p>- ایجاد جریان گفتمانی با استفاده از شبکه بسیج برای «ترویج احکام شریعت در خصوص مبادلات اقتصادی و معاملات بازار و اصناف»، و مبارزه با ربا و نظام ربوی و «تقویت و ترویج وجدان کاری».</p> <p>- ایجاد جریان گفتمانی با استفاده از شبکه بسیج در خصوص «ترویج فرهنگ ساده زیستی فردی و اجتماعی»، «کاهش مصرف فردی، سازمانی و ملی در موضوع انرژی، نان، آب» و «تشویق، ترویج و حمایت از تولید و مصرف کالای ایرانی».</p> <p>- ارتقاء سواد و توان اقتصادی مردم. (روش های انتخاب و خرید کالا، فروش، تنظیم دخل و خرج، تدبیر منزل، خودکافی کردن فقرا و نیازمندان و...).</p> <p>- ترویج گفتمان سلامت با تأکید بر پیشگیری مبتنی بر تغذیه سالم و طیب و روش های صحیح زندگی.</p> <p>- ترویج ورزش عمومی، همگانی و بومی با محوریت بسیج مساجد و واحدهای دانش آموزی.</p> <p>- ترویج و تعمیق ارزش های اسلامی، انقلابی و هویت ملی در میادین، ورزشگاه ها و باشگاه های ورزشی -</p> <p>- الگو سازی و ترویج جشن ها، بازی ها، سرگرمی ها و تفریحات به سبک اسلامی و ملی.</p>

منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم.

- آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، ۱۶ جلد، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- آمدی، عبدالواحد تمیمی (۱۴۲۹ق)، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق سید مهدی رجایی، قم: مؤسسه دار الکتب اسلامی.
- ابن ابی الحدید، ابوحامد (بی تا)، شرح نهج البلاغه، گردآوری محمد بن حسین شریف رضی.
- ابن ابی فراس، ورام (۱۴۳۷ق)، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، قم: مکتبه الفقیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۶ق)، علل الشرایع، ج ۲، نجف: حیدریه.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۶۹ش)، متشابه القرآن و مختلفه، ج ۲، قم: دار بیدار للنشر.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، قم: علامه.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، تفسیر التحریر و التنویر، ج ۳۰، بیروت: موسسه التاريخ.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۶۵ش)، کامل الزیارات، نجف: مرتضویه.
- احمدی، مجتبی (۱۳۸۸)، از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم، تهران: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان بسیج مستضعفین.
- اصغری، محمود (۱۳۸۵)، «مبانی دین و توسعه در اندیشه شهید مطهری»، اندیشه حوزه، ش ۵۷، فروردین و اردیبهشت.
- تهرانی، مجتبی (۱۳۹۴)، ادب الهی (تربیت مربی)، ناشر مصابیح الهدی.
- جمعی از نویسندگان (۱۴۰۵ق) الهدی الی دین المصطفی، ج ۲ بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- خامنه‌ای، سید علی (آیت الله) (۱۳۷۶)، گفت و شنود با جمعی از جوانان و نوجوانان، ۱۴ بهمن.
- خامنه‌ای، سید علی (آیت الله) (۱۳۹۶)، دو امام مجاهد، تهران: مؤسسه پژوهشی- فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای.
- خامنه‌ای، سید علی (آیت الله) (۱۳۹۳)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۶)، منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای.
- دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، و لنگاری فرهنگی؛ ریشه‌شناسی یک معضل.
- راغب اصفهانی (۱۳۶۲)، مفردات ألفاظ القرآن.



- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷)، «اقتراح: نسبت دین و توسعه»، قیسات، ش ۷.
- سنچولی، زینب (۱۳۹۲)، «تبیین ماهیت الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت»، دوره ۲، ش ۳، بهار و تابستان.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین و مطلع النیرین، تحقیق احمد الحسینی، تهران: مرتضوی، ج ۳.
- العبد الخانی، ساجده (۱۳۹۵)، «منیع قرآنی کوثر»، ش ۵۸، پاییز.
- فیض کاشانی (۱۳۸۳ق)، المحججه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، ناشر جامعه مدرسین.
- فیض کاشانی (۱۳۹۷)، حقایق (ترجمه الحقایق فی محاسن الاخلاق)، ترجمه حمیدرضا صادقی، ناشر آیت اشراق.
- قوه‌باغیان، مرتضی و مرتضی اسلامی (۱۳۷۹)، «اخلاق و توسعه (یک بررسی تطبیقی و تاریخی)»، ش ۲، دانشگاه اسلامی، پاییز.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۱ق)، اصول کافی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- مجلسی، سید محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار.
- مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، دار مجتبی الحسین (ع)، ج ۴.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، فلسفه تاریخ، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، سیری در سیره نبوی، انتشارات صدرا.
- موسوی خمینی (ره) (۱۳۹۱)، شرح حدیث جنود عقل و جهل.
- نوری، محمدرحیم (۱۳۸۷)، مبانی اخلاق، ناشر خورشید باران.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.

بیانات

- حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۲۹ دی ۱۳۸۸.
- حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۲۶ مهر ۱۳۶۸.
- حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۳ آذر ۱۳۹۵.
- حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۴ دی ۱۳۹۴.

- حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۲۳ مهر ۱۳۹۱.
- حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۵ مهر ۱۳۹۵.
- حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۲۰ آبان ۱۳۸۳.
- حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۲۳ خرداد ۱۳۹۰.
- حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۷ خرداد ۱۳۹۶.
- حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۴ دی ۱۳۹۴.
- حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۷ خرداد ۱۳۹۶.

سایت‌ها

- باشگاه خبرنگاران جوان
- پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه hawzah.net
- پایگاه خبری انتخاب
- پایگاه فرهنگستان
- پایگاه مطالعاتی فرهنگی فرهنگ سدید
- خبرگزاری صدا و سیما، مرکز فارس
- خبرگزاری فارس
- خبرگزاری مشرق نیوز
- خبرگزاری مهر
- دفاع پرس
- راسخون
- سایت مقام معظم رهبری Khamenei.ir

